

زیرساخت‌ها، توسعه و امنیت گردشگری در سیستان و بلوچستان
در گفت‌وگو با جواد مرعشی، باستان‌شناس و راهنمای گردشگری

در دل خاک‌های سیستان جواهری پنهان است

سیستان و بلوچستان به عنوان یکی از امن‌ترین استان‌های کشور، نیازمند
همکاری میان دولت و بخش خصوصی برای شکوفایی است

۵۴

گفت‌وگو با رضا نوری شادمهانی، استاد دانشگاه هنر و معماری کاشان
درباره ارتباط میان گردشگری و باستان‌شناسی

احیای گذشته برای آینده

باستان‌شناسی به عنوان مرزبان تاریخ و فرهنگ‌های گمشده، می‌تواند جنبش نوینی در عرصه گردشگری
ایجاد کند و محوطه‌های باستانی را از سکون و ایستایی خارج کند

۷۶

گردشگری ایران، در میان رنگ‌ها و غم‌های فراموش شده

نمایشگاه تهران نمایش درد و دلی پراز هنر

■ مصاحبه‌هایی از انوشیروان محسنی بندپی معاون گردشگری کشور
و ابوطالب قاسمی، مدیرکل مطالعات، آموزش و برنامه‌ریزی گردشگری
وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی

■ یادداشت‌هایی از مهسا مطهر، مدرس گردشگری
و امیرحسین مسعودی مربی wftga و پژوهشگر گردشگری



یادداشت

جای خالی «شبکه‌سازی» در نمایشگاه تهران

که می‌تواند صنعت گردشگری را نجات دهد

دروازه‌های به سوی دنیای جدید گردشگری



| مهسا ساطعرا |

| مدرس گردشگری |

نمایشگاه‌های گردشگری رویدادهایی برای معرفی مقاصد هستند. معمولاً در دوره بخش متخصصین و عوام برگزار می‌شوند. این امکان را به مقاصد می‌دهند که ضمن معرفی خود و بازارشان بتوانند به جذب گردشگر به واسطه رویداد کمک کنند. نمایشگاه گردشگری سالیانه تهران با اینکه اسم بین المللی را یدک می‌کشد اما حضور کشورهای مختلف در آن منحصر به چند کشور است. چرا که ایران توانسته خود را به عنوان بازار مهمی در حوزه گردشگری اثبات کند. در عرصه متخصصین این نمایشگاه تا امروز حرف تازه ای برای گفتن نداشته و عموماً به تبلیغات شتابزده آژانسهای خروجی کار در شب عید منتهی می‌شود. به همین دلیل اقبال شرکت‌های بزرگ عمدتاً به این نمایشگاه کم و بی پایه است. بازدیدکنندگان نمایشگاه عمدتاً از دیدن رقصهای محلی و آش و ساندویچ‌هایی که در فضای بیرون عرضه می‌شود لذت می‌برند. عمدتاً نقشه درستی از نمایشگاه در دسترس نیست و معرفی غرفه‌ها و فعالان به بنرهای نصب شده بر در نمایشگاه منحصر است. در نمایشگاه‌های بین المللی گردشگری وجود بانک اطلاعات داده عمدتاً رایگان و نقشه و لپیکیشن نمایشگاه و بررسی و مطالعات مذاق بازدیدکنندگان به شبکه سازی کمک می‌کند. که جای خالی آن در این نمایشگاه به شدت همواره احساس می‌شود. برای پرپارت شدن نمایشگاه ایجاد شبکه های حرفه ای، تمرکز بر فناوری‌های نوین و استراتژ آنها، اعطای مشوق به شرکت‌های خارجی برای حضور در نمایشگاه، در دسترس بودن نقشه نمایشگاه می‌تواند رونق تخصصی تری به طان ببخشد از حق نگذریم همواره کارگاه‌های تخصصی توسط فعالان در این نمایشگاه اجرا می‌شود که اداره کل آموزش معاونت گردشگری نقش خود را به درستی در این مهم ایفا می‌کند.

چرا پس از نمایشگاه گردشگری تهران همه چیز به روال سابق باز می‌گردد؟

فرصت‌های ایران از نمایشگاه تا واقعیت



| امیرحسین مسعودی |

| مربی wftga |

| پژوهشگر گردشگری |

بهمن و نمایشگاهی دیگر ، جشنواره ایی از تلاش استان ها برای معرفی توانمندی ها و پتانسیل های گردشگری ، فرهنگی و صنایع دستی اقوام رنگین ایران زمین و البته مهمانی فعالان صنعت گردشگری از هتل ها و بوم گردی ها گرفته تا شرکت های خدمات مسافرتی و کانون ها و انجمن های صنفی و حرفه ای و اجتماعات کوچکی از علاقه مندان مختلف این صنعت مانند دانشجویان و فراگیران علمی صنعت گردشگری، چه لبخندهای که از راه دور به دست و خوش و بش های صنفی و تعریف خاطرات مشترک سفرها و نشست ها و رویدادهای گذشته ختم می‌شود.

اما ای کاش ۲۷ بهمن یک روز پس از این جشنواره و نمایشگاه هم روحیه و رویکرد این چهار روز را داشتیم ، ای کاش در رفتار صنعتی و سازمانی یک میلیمتر بعد از منافع خردمان فکر منافع همکاران و هم صنفمان خود در تمام عرصه های صنعت بودیم. مگر نه اینکه ماده نه منشور جهانی اخلاق گردشگری اشاره به حقوق کارکنان و کارآفرینان صنعت گردشگری دارد. پس چرا ما راه را برای نیروهای جوان ، مستعد و کارآمد در آینده این صنعت روشن نمی کنیم ؟ چرا برای برند ، کسب و کار و تلاش سایر همکاران خارج از سازمان و شرکت خود ارزش قائل نمی شویم ؟ چرا باور نداریم صنعت گردشگری یک زنجیر به هم تنیده شده از انواع امکانات در حوزه راه و حمل و نقل ، پذیرایی ، اقامت ، جاذبه ها و انواع خدمات چون بیمه و ویزا و ... است و اگر یک حلقه از این زنجیر ضعیف شود اصل زنجیر تحت تاثیر قرار می گیرد

چرا در حمایت از شخص مشخص مهمان که برخی او را فقط یک مشتری می بینند تلاش نمی کنیم ؟ متعهد باشیم به آنچه وعده داده ایم با ریزه کاری مکارانه قرارداد سفر را تنظیم می کنیم و مهمان که حبیب خدا است را از یک سفری که از پیش هزار وعده داده ایم محروم می کنیم ؟

این سئوالات را باید در ذهن هر مرد کرد و باور داشت دروازه صلح و آرامش جهانی از کوچه پس کوچه های گردشگری که همانا شناخت و آگاهی و احترام به اقوام و ملت ها است می گذرد و رمز اتحاد و دلبستگی بیشتر ملت ایران و داشتن تعهد ملی به این آب و خاک شناخت از ماهیت جغرافیایی و فرهنگی وطن است که تن است بیا باید طرچی نو در اندازیم و هر کدام در هر بخش صنعت کار را بر اساس اصول "منشور جهانی اخلاق گردشگری " و " سوگند نامه جهانگردی " و استانداردهای اکو توریسم و توجه به عرف جامعه محلی اصولی و ارزشمند انجام دهیم تا دستانمان روی زانوی خردمان باشد و چرخه صنعت گردشگری خصوصاً در بخش داخلی را با رویکردی مهمان نوازانه ، اخلاق مدار ، متعهدانه و عاشقانه به گردش درآوریم و عاشقانه لذت ببریم از خاطره سازی

تلاش‌های جدید ایران برای جذب گردشگر از آسیای شرقی و آفریقا؛ ابوطالب قاسمی، مدیرکل مطالعات، آموزش و برنامه‌ریزی گردشگری وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی توضیح می‌دهد

به‌دنبال تورهای جهانی

دانشجویان به‌عنوان سفیران فرهنگی می‌توانند در بازسازی تصویر جهانی ایران تاثیرگذار باشند و این مهم از طریق حضور در نمایشگاه محقق می‌شود

ا پیام ما | هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری تهران از ۲۳ بهمن‌ماه کار خود را آغاز کرد. نمایشگاهی که با حضور اقوام و ملیت‌های گوناگون، برنامه‌های متنوعی سنتی و برنامه‌های آیینی حال و هوای خاصی دارد و امسال حضور گروه‌های خارجی از کشورهای مختلف از جمله امارات، ترکیه، تاجیکستان، تایلند، ماداگاسکار، برزیل، اندونزی، قطر و روسیه در آن چشمگیر است. اما دراین‌بین برگزاری کارگاه‌های آموزشی و برنامه‌های جانبی برای دانشجویان و دانش‌آموزان نیز از نکات جالب هجدهمین نمایشگاه گردشگری است. اقداماتی که گفته می‌شود برای بهبود جایگاه ایران در حوزه گردشگری انجام می‌شود. ابوطالب قاسمی مدیرکل مطالعات، آموزش و برنامه‌ریزی گردشگری وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی در گفت‌وگو با «پیام ما» درباره اهداف

۲

گردشگری ایران، در میان رنگ‌ها و غم‌های فراموش‌شده

نمایشگاه تهران؛ نمایش درد و دلی پر از هنر

هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری و صنایع وابسته تهران که از روز سه‌شنبه آغاز شده، فرصتی است برای کشف و تجربه تنوع فرهنگی ایران. این نمایشگاه تا جمعه ۲۶ بهمن‌ماه ادامه دارد

غرفه‌های نمایشگاه با ارائه صنایع‌دستی و آثار هنری ایرانی، به نمایشگاه جهانی نیاز دارند تا دیده شوند



| پیمان |

| ۱۵۰ |

نمایشگاه گردشگری از هشت صبح شروع شده اما هنوز برخی از غرفه‌داران کارهای دکور و سازه‌های خود را به طور کامل تمام نکرده‌اند. وارد سالن‌های نمایشگاه صنایع‌دستی و گردشگری می‌شویم، صدای موسیقی جنوبی را می‌شنویم و همین صدا که هر چند ساعت یکبار تکرار می‌شود، بازدیدکنندگان را به وجد آورده است. گاهی ترکمن‌ها هم رقص خودشان را با سازهای جنوبی هماهنگ می‌کنند. از هر غرفه‌ای که گذر می‌کنیم غرفه‌داران با خوراکی‌ها و شیرینی‌جات شهر خودشان از مردم و دیگر غرفه‌داران پذیرایی می‌کنند.



| ریحانه حیدری |

| روزنامه‌نگار |

رنگ سرخ و لاجوردی لباس‌های ترکمن با سوزندوزی‌های خاص این منطقه یادآور طبیعت بکر استان گلستان است. زنان بلوچ با لباس‌های رنگی و نقاب‌های خاص خودشان حضور دارند، مردان اغلب با دشداش‌های سفید و بلندشان موسیقی سنتی جنوبی را می‌نوازند. از طرف دیگر برخی از هنرمندان هم نقاشی مینیاتور می‌کشند یا حصیربافی می‌کنند. اما حال و هوای سالن بین‌الملل با سالن‌های دیگر متفاوت است، آژانس‌های گردشگری، سفارتخانه و نمایندگان ۱۲ کشور از جمله امارات، ترکیه، تاجیکستان، تایلند،

ماداگاسکار، برزیل، اندونزی، قطر و روسیه هم حضور داشتند و برخی از این غرفه‌ها هم نمادهای کشور خودشان را آورده بودند

با اینکه نمایشگاه صنایع‌دستی و گردشگری فضایی برای بروز و ظهور هنر، صنایع‌دستی، آداب‌وسوم و فرهنگ اقوام ایرانی است؛ اما برخی از شرکت‌کنندگان از شرایط گردشگری و صادرات هنرهای دستی گلگ داشتند برای مثال در گذشته صادرات بازار فرش متقاضیان زیادی داشته است، اما تحریم‌ها روی بازار فرش هم اثرات منفی

خودش را داشته است
۸۰ درصد بازار جهانی فرش ایران را از دست دادیم
یکی از غرفه‌داران که از شهر میمه اصفهان آمده درباره نقوش، بافت و طرح‌های فرش میمه، می‌گوید: «میمه ۹۰ کیلومتر مانده به استان اصفهان است که یک منطقه گردشگری محسوب می‌شود، قنات و خانه‌های بوم‌گردی دارد. در کنار این موارد فرش میمه است که به دوره صفویه برمی‌گردد؛ نقشه‌ها فرش‌های دستبافت میمه

ذهنی بافت هستند و این طرح‌ها به شکل موروثی از مادر و پدرها به فرزندان رسیده است.» او ادامه می‌دهد: «هر گل اسامی خاصی دارد؛

مانند سرگل، غنچه خروس و ... رنگ‌آمیزی این فرش‌ها از ۱۶ تا ۱۸ رنگ‌کار می‌شود نقشه‌هایی هم که در فرش میمه به کار می‌بریم لچک، تریچ، خشت و کشمیر در زمانی که اصفهان است که یک منطقه گردشگری محسوب می‌شود؛ اما در حال حاضر ۸۰ درصد صادرات ایران را در بازار جهانی از دست دادیم.»

نمایشگاه‌های گردشگری می‌توانند نغتنها به معرفی جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی ایران کمک کنند، بلکه به‌عنوان سکویی برای جذب گردشگران خارجی و ارتقای صنعت گردشگری داخلی باشند. مسئولان وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی امیدوارند که نمایشگاه امسال نیز بتواند با ارائه توانمندی‌های داخلی و تقویت دیپلماسی فرهنگی، به توسعه روابط گردشگری کشور کمک کند

انوشیروان محسنی باندپی، معاون گردشگری کشور در خلال هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری تهران در گفت‌وگو با «پیام ما» بر همین امر تاکید کرد. او از حضور هیأت‌های خارجی و گسترش روابط دوجانبه در حوزه گردشگری سخن گفت: «مسئولان بخش خارجی نمایشگاه توجه ویژه‌ای جلب کرده و هیأت‌های خارجی که در این رویداد حضور دارند، اعلام آمادگی کرده‌اند تا روابط گردشگری خود را با ایران گسترش دهند.» بندپی در این زمینه به مذاکراتش با معاون گردشگری برزیل اشاره کرد و یادآور شد که پیش از دوران کرونا روابط ایران با برزیل در زمینه گردشگری رونق خوبی داشت، اما این روابط در دوران کرونا کاهش یافت: «در مذاکراتی که با طرف برزیلی داشتم، تصمیم بر گسترش روابط گردشگری و برقراری پروازهای مستقیم بین دو کشور گرفته شد.» معاون گردشگری کشور با بیان اینکه نمایشگاه تهران به‌نوعی ایران کوچک است، اضافه کرد: «تمایز ظرفیت‌های گردشگری ایران در اینجا به نمایش گذاشته شده است و تلاش کرده‌ایم منابع آبی،



| وزارت میراث فرهنگی |

| ۱۵۰ |

انوشیروان محسنی باندپی، معاون گردشگری کشور در گفت‌وگو با پیام ما مطرح کرد:

گام‌هایی برای دیپلماسی

نمایشگاه‌های بین‌المللی گردشگری می‌توانند به نقطه‌عطفی برای گسترش روابط بین‌المللی و معرفی ظرفیت‌های گردشگری داخلی تبدیل شوند. مسئولان وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی امیدوارند برای نمایشگاه بین‌المللی گردشگری تهران نیز بیفتد

آشنا شوند، آنها توانستند با بخش خصوصی و همه کسانی که در این حوزه حضور دارند ارتباط بگیرند و جایگاه شفلی خودشان در آینده بررسی کنند. این برنامه در سال جاری هم انجام می‌شود. مکاتبات و هماهنگی‌های اولیه انجام شده تا دانشجویان خودشان را در این نمایشگاه سهیم بدانند و ما از ظرفیت آنها استفاده کنیم.» مدیرکل مطالعات، آموزش و برنامه‌ریزی گردشگری وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی ادامه داد: «مکاتبات با امور فرهنگی، با سازمان امور دانشجویان و بین‌الملل دانشگاه انجام شده است، همچنین با برخی از دانشگاه‌ها هماهنگی‌های اولیه هم انجام شده است که آنها در طول برگزاری نمایشگاه برای تورهای دانشجویان بین‌الملل حضور داشته باشند. یک‌سری از دانشجویان خودمان که می‌خواهیم از ظرفیتشان استفاده کنیم، در نمایشگاه در قالب تور بازدیدکنندگان را راهنمایی می‌کنند. هدف هم شناسایی ظرفیت‌های گردشگری کشور است که آنها را تحت عنوان سفیران گردشگری می‌شناسیم و یک ظرفیت خوبی است که ما در کشورهای آسیا و آفریقا می‌آیند و حضورشان می‌تواند دستاورد خوبی برای این نمایشگاه باشد؛ چون تعدادشان هم کم نیست.»

قاسمی با اشاره به «ایران‌هراسی» که توسط برخی در جهان ایجاد شده، توضیح داد: «امیدوارم دانشجویان به‌عنوان سفیران فرهنگی گردشگری در نمایشگاه بتوانند دستاوردی برای ترمیم چهره ایران در جهان داشته باشند و تصویر بهتری از ایران به نمایش بگذارند. هماهنگی‌هایی را با دفتر بازاریابی و تبلیغات انجام دادیم

۱۵ استقبال گردشگران از شهر کرمان کم است

غرفه کرمان هم از غرفه‌های فعال در نمایشگاه است به‌خاطر خوراکی‌های ویژه این منطقه و هنر خاصی که وجود دارد بازدید زیادی از غرفه کرمان می‌شود. یکی از صنایع‌دستی کرمان پتندوزی است که این روزها استقبال بیشتری نسبت به این هنر می‌شود و مردم از آن به‌عنوان رومیزی، کوسن و تابلوهای دکوراتیو استفاده می‌کنند

نجمه محمدی‌نژاد مدیر پته سروزنار درباره هنر پتندوزی کرمان، توضیح می‌دهد: «پته، سوزندوزی اصیل کرمان است که قدمت به درازی تاریخ ۲۰۰۰ساله دارد؛ البته ما نمی‌توانیم به طور دقیق قدمت پتندوزی را اعلام کنیم چون بافت پارچه به‌مرورزمان از بین می‌رود و به دوخت‌ها و پارچه‌های قبلی دسترسی نداریم؛ بنابراین ما نمی‌توانیم قدمت این هنر را مشخص کنیم.»

او در خصوص تاریخ پتندوزی کرمان، می‌گوید: «در شاهنامه فردوسی کجاران (بم امروزی) آمده است در نزدیکی قلعه دختر بم، تجارت مردم از راه نخ‌ریسی بود و فردوسی در شاهنامه توضیح می‌دهد که مردم منطقه چطور نخ‌ریسی می‌کردند.

البته فردوسی هم این هنر را به دوره اردشیر بابکان نسبت می‌دهد براین‌اساس ما می‌توانیم بگوییم

سوزندوزی و بافت پارچه در کرمان به چهارهزار سال قبل می‌رسد.»

این هنرمند کرمانی با اشاره به مراحل پتندوزی کرمان، اضافه می‌کند: «ما نخ شال پشم و پارچه پشم برای دوخت را خودمان تولید می‌کنیم. در ۵۰ رنگ مختلف انجام می‌شود و بعد هم طراحی، چاپ و دوخت است. رنگها هر کدام اسم مشخصی دارند و با نخ ظریف پشم دوخته می‌شود همین پشم هم در کرمان تولید می‌شود که بسیار ظریف و مقاوم است. در نهایت هم رنگرزی گیاهی می‌شود، چاپ می‌خورد و دوخت می‌شود.» محمدی‌نژاد در پایان با افتقاد از حضور کم گردشگران، می‌گوید: «ما این هنر اصیل کرمانی را می‌توانیم از طریق فضای مجازی تبلیغ کنیم یا در همین نمایشگاه‌ها شرکت کنیم تا مردم پتندوزی را بشناسند و این هنر همچنان زنده بماند؛ اما راه دیگر هم گردشگر است که توریست به کرمان نمی‌آید یا بسیار کم است.»

در سالن‌های دیگر نمایشگاه صنایع‌دستی گردشگری علاوه بر صنایع‌دستی تجهیزات مانند تصویربرداری هوایی، خدمات و تجهیزات هتل‌داری و آژانس‌های مسافرتی حضور دارند؛ این نمایشگاه تا ۲۶ بهمن ادامه دارد

بوم‌گردی، خوراک کودک و سایر توانمندی‌های ایران درحوزه گردشگری را به نمایش بگذاریم تا گردشگران داخلی و خارجی از این ظرفیت‌ها بهره‌مند شوند." بندپی همچنین گردشگری را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مولفه‌های کسب درآمد برای کشاورها دانست و بر اهمیت آن در ایجاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تاکید کرد. او معتقد است: «با گردشگری می‌توان آثار تاریخی و فرهنگی یک کشور را به جهانبان معرفی کرد و از آن برای مقابله با ایران‌هراسی و تغییر نگاه‌ها استفاده کرد." او در ادامه افزود: "این نمایشگاه با رویکرد معرفی ظرفیت‌های فرهنگی و گردشگری ایران و استفاده از گردشگری به‌عنوان ابزار دیپلماسی فرهنگی برگزار شده است.» در ادامه، معاون گردشگری کشور از اقدامات برای بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل داخلی نیز سخن گفت و تصریح کرد: «مدیرکل توسعه گردشگری داخلی در تلاش است تا مشکلات حمل و نقل جاده‌ای و هوایی را با همکاری مسئولان مربوطه حل کند تا مردم برای سفرهای داخلی کمتر از اتومبیل‌های شخصی استفاده کنند.» او در پایان به برنامه‌های جدید برای افزایش آگاهی عمومی در زمینه حوادث جاده‌ای نیز اشاره کرد و گفت: «امسال برای بالا بردن دانش عمومی درباره حوادث جاده‌ای و کاهش تلفات، با همکاری هلال‌احمر، پلیس راهور و مراکز تحقیقاتی غرفه‌ای در نمایشگاه تدارک دیده شده تا بازدیدکنندگان اطلاعات لازم را کسب کنند و آگاهی عمومی در این زمینه افزایش یابد.»

گردشگری به درگاه ملی مجوزها متصل شده و وزارت اقتصاد مرجع صدور مجوز برای مؤسسات آموزش گردشگری را وزارتخانه میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی را معین کرده است. مجوزهایی که این مؤسسات در گذشته دریافت می‌کردند یک مجوز دوره‌ای بود با اخذ مجوزها امکان برخورداری از فعالیت‌های مالیاتی و سایر مشوق‌ها پیش‌بینی شده در صنعت گردشگری را برخوردار خواهند شد. در نمایشگاه امسال برای اولین‌بار یک فضای اختصاصی برای حضور این مؤسسات برای برگزاری نشست‌هایی در نظر گرفته شده است.»



و قرار است تولید محتوایی در این حوزه انجام شود از این طریق می‌توانیم بخشی از آن تصویرسازی مخلصی که نسبت به ایران وجود دارد، ترمیم کنیم. هدف ما این است که جایگاه ایران را در حوزه گردشگری بهبود ببخسیم.»

مدیرکل دفتر مطالعات، آموزش و برنامه‌ریزی گردشگری با اشاره به برگزاری دوره‌های آموزشی در طول نمایشگاه گفت: «کار دیگری که ما در نمایشگاه انجام می‌دهیم برگزاری دوره آموزشی است و قرار شده تا از افراد متخصص در حوزه‌های مختلف کمک بگیریم.» قاسمی درباره حضور متخصصان در این نمایشگاه نیز گفت:

«در این نمایشگاه از افراد متخصص و مشهوری که در حوزه گردشگری فعال هستند، دعوت کردیم و نمایشگاه فرصتی است که علاقه‌مندان بتوانند از سراسر کشور متخصصان این حوزه را ببینند و با آنها گفتگو کنند؛ چون در شرایط عادی دیدار و گفتگو سخت می‌شود و نمایشگاه یک فرصتی است که علاقه‌مندان از سراسر کشور به اینجا بیایند و در بحث‌های آموزشی از آنها کمک بگیرند؛ بنابراین هم از نظر کیفیت، هم‌اکنون دوره‌ها قابل‌توجه است و هم به لحاظ تدریس، مدرسین به نامی حضور دارند. البته امسال محتوایی که در این نمایشگاه تولید می‌شود هم به‌صورت آنلاین و هم ضبط می‌شود تا به‌صورت آفلاین در اختیار متقاضیان قرار بگیرد اگر کسی نتوانست به نمایشگاه بیاید، بتوانند در هر لحظه از این محتوا استفاده کند و بعداً هم این فایل‌ها قابل‌استفاده باشد.» او در پایان به ایجاد فضای مخصوص مؤسسات گردشگری در نمایشگاه اشاره کرد و گفت: «مجوز مؤسسات آموزشی

گهرپارک؛ یک معدن هیجان

دهکده گهرپارک، بزرگ‌ترین و جذاب‌ترین پروژه گردشگری کشور می‌باشد که در دل کویر سیرجان راه‌اندازی شده‌است. این مجموعه با حمایت و سرمایه‌گذاری شرکت‌های معدنی و صنعتی منطقه کل‌گهر طی دو سال ساخته شده و فاز اول آن از ابتدای سال ۱۴۰۲ به بهره‌برداری آزمایشی رسید.

باغ وحش

یکی از جاذبه‌های برجسته دهکده، باغ‌وحشی با نادرترین حیوانات است؛ که محبوبیت ویژه‌ای به مجموعه می‌افزاید. همچنین، مجموعه ورزشی مجهز گهرپارک فضایی ایده‌آل برای علاقه‌مندان به ورزش فراهم می‌کند.

پوتیک هتل

پوتیک هتل گهرپارک نیز در مساحتی بالغ بر ۹۱،۰۰۰ مترمربع با واحدهای متنوع، سیاه‌چادرهای سنتی و رستوران‌های مدرن، تجربه‌ای متفاوت از اقامت در کویر را به میهمانان ارائه می‌دهد.

یک معدن هیجان در دل کویر

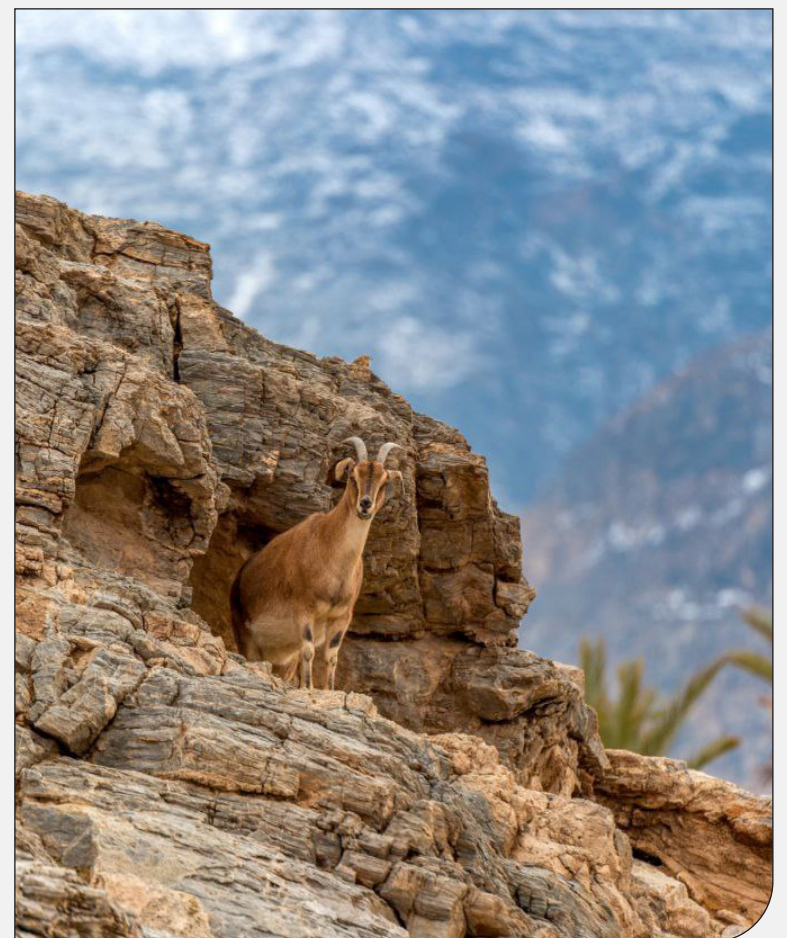
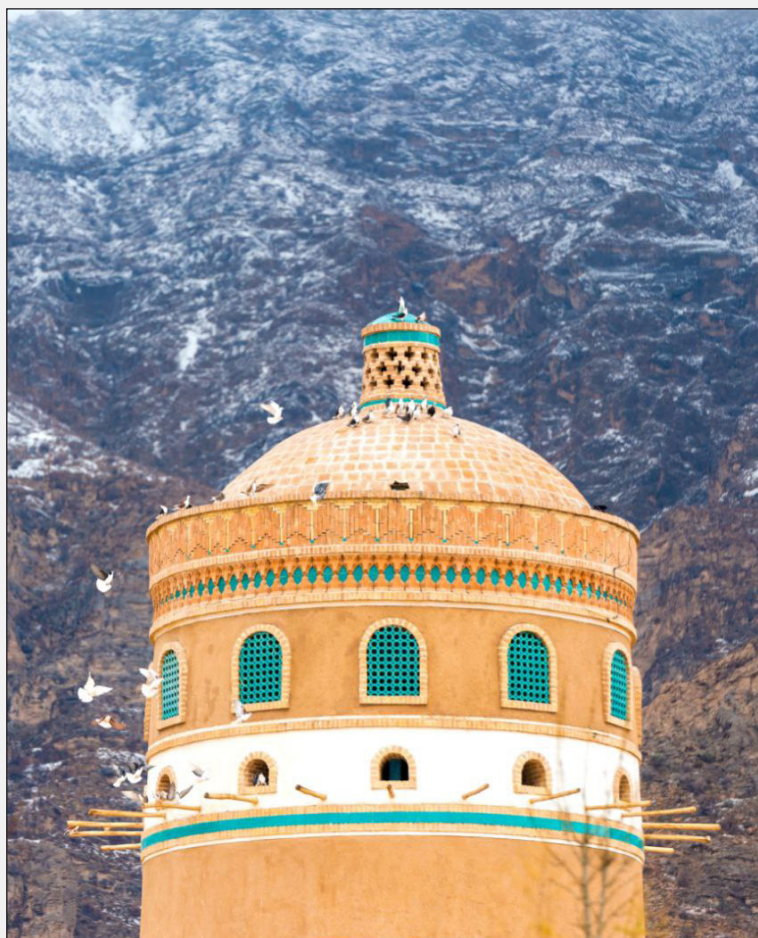
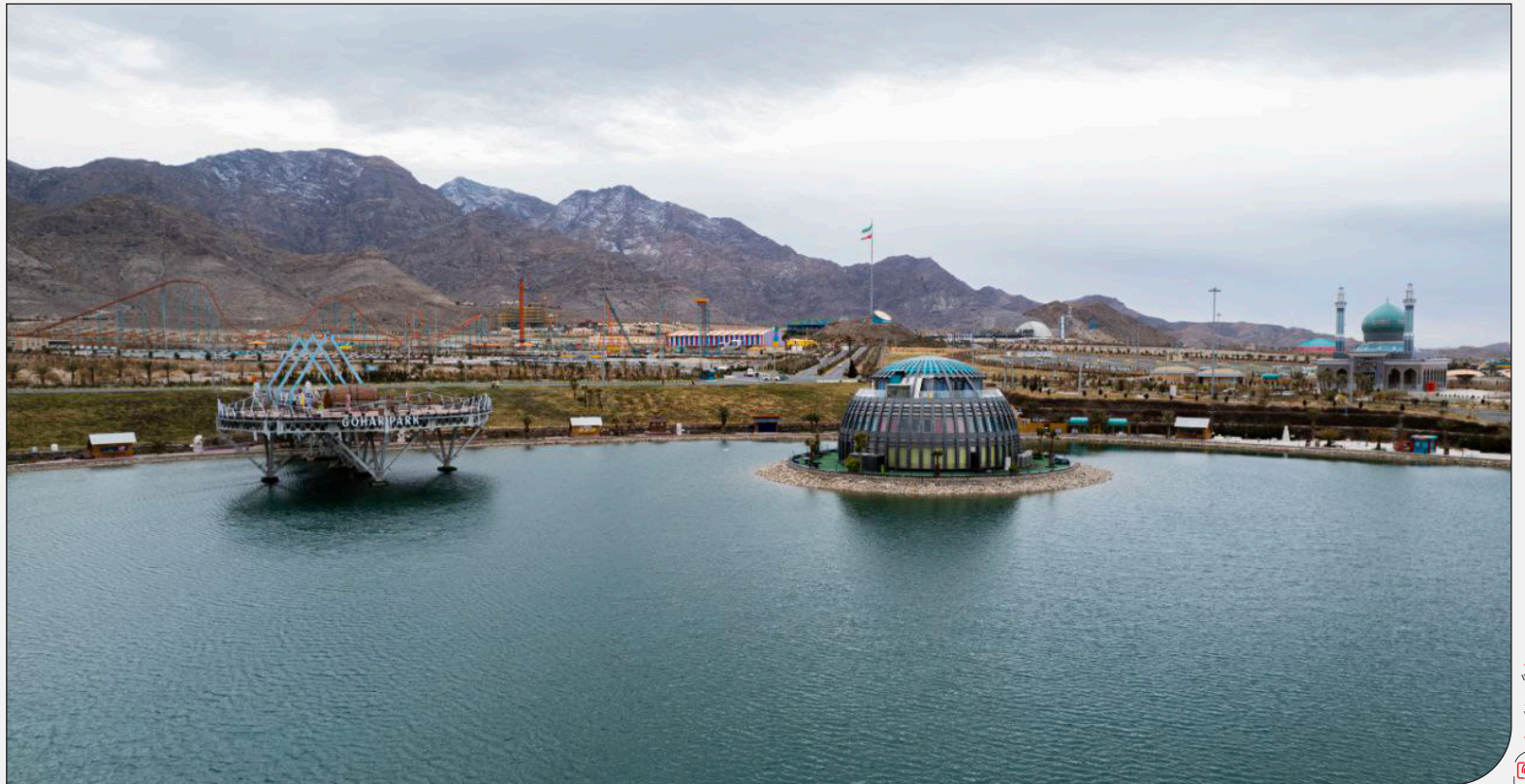
گهرپارک در کیلومتر ۲۰ جاده سیرجان - شیراز واقع شده و با شعار "یک معدن هیجان در دل کویر" آماده پذیرایی از گردشگران داخلی و خارجی است. این دهکده گردشگری، به‌ویژه برای کسانی که به دنبال تجربه‌ای متفاوت از تفریح، طبیعت و هیجان هستند، مقصدی بی‌نظیر و به یادماندنی خواهد بود.

دهکده گهرپارک، بزرگ‌ترین و جذاب‌ترین پروژه گردشگری کشور می‌باشد که در دل کویر سیرجان راه‌اندازی شده‌است. این مجموعه با حمایت و سرمایه‌گذاری شرکت‌های معدنی و صنعتی منطقه کل‌گهر طی دو سال ساخته شده و فاز اول آن از ابتدای سال ۱۴۰۲ به بهره‌برداری آزمایشی رسید.

گهرپارک با بهره‌برداری از ویژگی‌های طبیعی و موقعیت جغرافیایی ویژه‌اش، در مدت زمان کوتاهی، جایگاه خاصی در صنعت گردشگری کشور پیدا کرده است.

دریاچه شگفت‌انگیز و شهربازی

این دهکده گردشگری با مساحتی بالغ بر ۵۹۰ هکتار، دارای دریاچه‌ای شگفت‌انگیز است که از آب خلیج فارس تغذیه می‌شود. در کنار آن، بزرگ‌ترین شهربازی‌های روباز و سرپوشیده و مجموعه‌ای دیگر از جاذبه‌های تفریحی، تجربه‌ای متفاوت را برای بازدیدکنندگان فراهم می‌آورد.



گهرپارک

زیرساخت‌ها، توسعه و امنیت گردشگری در سیستان و بلوچستان در گفت‌وگو با جواد مرعشی، باستان‌شناس و راهنمای گردشگری

در دل خاک‌های سیستان جواهری پنهان است

سیستان و بلوچستان به عنوان یکی از امن‌ترین استان‌های کشور نیازمند همکاری میان دولت و بخش خصوصی برای شکوفایی است

سیستان و بلوچستان با پتانسیل‌های بی‌نظیر گردشگری طبیعی و فرهنگی، فرصتی مهم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد. با وجود پیشینه تاریخی غنی و جاذبه‌های منحصر به فرد، این منطقه هنوز به طور کامل شناخته نشده و تحت‌تأثیر تصورات نادرست و کمبود زیرساخت‌ها قرار دارد. جواد مرعشی، باستان‌شناس و راهنمای گردشگری در گفتگو با «پیام ما»، بر اهمیت رفع ناامنی‌ها و تبعیض‌های قومیتی از سوی دولت جدید تأکید می‌کند و می‌گوید که برای تحقق این هدف، نیازمند استراتژی‌های جامع و هم‌افزایی میان بخش‌های مختلف هستیم. او امیدوار است با برنامه‌ریزی دقیق و همکاری بین‌المللی، سیستان و بلوچستان به قطب اقتصادی کشور تبدیل شود و چالش‌های موجود را از طریق توسعه پایدار گردشگری برطرف کند.

سیستان و بلوچستان با پتانسیل‌های بی‌نظیر گردشگری طبیعی و فرهنگی، فرصتی مهم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد. با وجود پیشینه تاریخی غنی و جاذبه‌های منحصر به فرد، این منطقه هنوز به طور کامل شناخته نشده و تحت‌تأثیر تصورات نادرست و کمبود زیرساخت‌ها قرار دارد. جواد مرعشی، باستان‌شناس و راهنمای گردشگری در گفتگو با «پیام ما»، بر اهمیت رفع ناامنی‌ها و تبعیض‌های قومیتی از سوی دولت جدید تأکید می‌کند و می‌گوید که برای تحقق این هدف، نیازمند استراتژی‌های جامع و هم‌افزایی میان بخش‌های مختلف هستیم. او امیدوار است با برنامه‌ریزی دقیق و همکاری بین‌المللی، سیستان و بلوچستان به قطب اقتصادی کشور تبدیل شود و چالش‌های موجود را از طریق توسعه پایدار گردشگری برطرف کند.

ایران است و این خودش باعث می‌شود که در این منطقه بعضی از ناامنی‌هایی که دلخواه هیچ‌کس نیست به وجود آید. البته نمی‌خواهم بگویم که همه ناامنی‌های که وجود داشته در گذشته زاییده این موضوع است. اما به‌رحال بخشی نتیجه همین نگاهی است که همیشه وجود دارد. یعنی انگار که سیستان و بلوچستان نقطه‌ای است که ما باید برای رفتن به آنجا یک برنامه‌ریزی خاصی کنیم که این برنامه‌ریزی را به طور مثال راجع به سفر به یزد یا اصفهان نمی‌کنیم. درحالی‌که این مردم هم شهروندان ایران هستند. اینجا هم بخشی از خاک ایران است و با همان قواعد و قوانینی که در دیگر مناطق ایران وجود دارد. اینجا هم مردم دارند زندگی می‌کنند و عموماً هم مشکلی در خصوص امنیت ندارند.

سیستان و بلوچستان یکی از امن‌ترین استان‌های کشور است. یعنی اگر آمار نزاع‌های دسته‌جمعی، جرم و جنایت، سرقت، قتل و سایر اینها که ملاک‌های امنیت است را در سیستان و بلوچستان با استان‌های دیگر مقایسه کنیم، سیستان بلوچستان جزو چند استان امن کشور است. نوع ناامنی اینجا که زاییده نزدیکی ما به مرز است نوع متفاوتی است که این زاییده مرز است، نه مردم

باتوجه‌به همسایگانی که ما در این منطقه داریم، بخشی از این ناامنی‌ها از خارج از مرز، به مردم منطقه تحمیل می‌شود. باوجود این، مردم اینجا بسیار تمایل دارند که در یک فضای آرام و امن زندگی کنند و حتی از میهمانان خودشان هم پذیرایی کنند. اما به‌رحال این دیدگاه وجود دارد. یعنی ما واقعیت‌ها را باید بپذیریم که برای اینکه یک فرد را قانع بکنیم که از تهران یا یک شهر

ر] سیستان و بلوچستان یک منطقه بسیار وسیع با پتانسیل بالای گردشگری هم از نظر طبیعی و هم فرهنگی است. اما بحث رایج نبود امکانات در استان و همچنین تصورات نادرستی که وجود دارد، می‌تواند در دیدگاه گردشگر برای حضور به منطقه تأثیرگذار باشد. چطور می‌شود این دیدگاه را در عموم مردم تغییر داد؟



| جواد مرعشی |

| باستان‌شناس |

| راهنمای گردشگری |



قبل از اینکه به طور خاص به سیستان و بلوچستان بپردازم، باید بگویم یکی از مشکلات ما روش توسعه گردشگری است که در همه جای ایران اتفاق افتاده و با اصرار خیلی زیاد می‌خواهیم همان روش غلط توسعه گردشگری را که در واقع به آن، توسعه هم نمی‌شود گفت، برای گردشگری در استان سیستان و بلوچستان هم انجام است. برای اینکه در استان ما باتوجه‌به بعد مسافتی که حتی با شهرهای همسایه خودش دارد و وسعتی که در درون خود استان وجود دارد این دوری از مرکز کشور و خصوصاً پایتخت، خودش یکی از بزرگ‌ترین موانع توسعه است. همان دیدگاه سنتی رشد گردشگری، به طور خاص در مورد استان

سیستان و بلوچستان، تا حدودی به حق و تا حدود زیادی به‌ناحق وجود دارد. اتفاقاً بخش بزرگی از این ناامنی‌ها و تصوراتی که از بیرون نسبت به استان وجود دارد به‌خاطر عدم ارتباطی است که میان سایر نقاط ایران با سیستان و بلوچستان وجود دارد. انگار که سیستان و بلوچستان منطقه‌ای است که غیر از ایران به‌حساب می‌آید و هم از نظر هویتی و هم از نظر جغرافیایی به‌گونه‌ای است که انگار یک قطعه جدا مانده‌ای از

سیستان و بلوچستان با پتانسیل‌های بی‌نظیر گردشگری طبیعی و فرهنگی، فرصتی مهم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد. با وجود پیشینه تاریخی غنی و جاذبه‌های منحصر به فرد، این منطقه هنوز به طور کامل شناخته نشده و تحت‌تأثیر تصورات نادرست و کمبود زیرساخت‌ها قرار دارد. جواد مرعشی، باستان‌شناس و راهنمای گردشگری در گفتگو با «پیام ما»، بر اهمیت رفع ناامنی‌ها و تبعیض‌های قومیتی از سوی دولت جدید تأکید می‌کند و می‌گوید که برای تحقق این هدف، نیازمند استراتژی‌های جامع و هم‌افزایی میان بخش‌های مختلف هستیم. او امیدوار است با برنامه‌ریزی دقیق و همکاری بین‌المللی، سیستان و بلوچستان به قطب اقتصادی کشور تبدیل شود و چالش‌های موجود را از طریق توسعه پایدار گردشگری برطرف کند.

سیستان و بلوچستان با پتانسیل‌های بی‌نظیر گردشگری طبیعی و فرهنگی، فرصتی مهم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد. با وجود پیشینه تاریخی غنی و جاذبه‌های منحصر به فرد، این منطقه هنوز به طور کامل شناخته نشده و تحت‌تأثیر تصورات نادرست و کمبود زیرساخت‌ها قرار دارد. جواد مرعشی، باستان‌شناس و راهنمای گردشگری در گفتگو با «پیام ما»، بر اهمیت رفع ناامنی‌ها و تبعیض‌های قومیتی از سوی دولت جدید تأکید می‌کند و می‌گوید که برای تحقق این هدف، نیازمند استراتژی‌های جامع و هم‌افزایی میان بخش‌های مختلف هستیم. او امیدوار است با برنامه‌ریزی دقیق و همکاری بین‌المللی، سیستان و بلوچستان به قطب اقتصادی کشور تبدیل شود و چالش‌های موجود را از طریق توسعه پایدار گردشگری برطرف کند.

در یک منطقه مثل بلوچستان به‌خودی‌خود بخش خصوصی ابتدابه‌ساکن نمی‌آید، سرمایه‌گذاری کند. افراد باید این احساس را پیدا کنند که دولت در آنجا برنامه توسعه گردشگری را محور فعالیت‌های خودش می‌داند. از نظر اقتصادی خودش را تضمین شده بداند. اگر دولت از سرمایه‌گذاری‌ها با اعطای زمین، تسهیلات و ایجاد امنیت، حمایت کند، سرمایه‌گذار هم ترغیب می‌شود



که قیمت آن لباس سوزن‌دوزی که بر تن آن خانم بلوچ است، اصلاً برای آن گردشگر قابل‌تصور نباشد. از طرف جامعه محلی هم همین‌طور، یعنی شاید جوامع محلی گردشگرها را به‌عنوان یک افرادی که پا به آنها ندارند، می‌بینند. چون صرفاً دارند از یک سری افراد، از یک سری واحدهای خدماتی، خدمات و کالا دریافت می‌کنند که لزوماً با سایر افراد جامعه با سایر واحدهای اجتماعی در پیوند نیستند و چون این پیوند وجود ندارد آنها حس خوشایندی از حضور یک سرگردان ندارند و شاید حتی مزاحمت هم به وجود بیاید. این تفاوت دیدگاه خیلی آزاردهنده است. من به توازن در رشد و توسعه در همه جوانب گردشگری و زنجیره خدمات گردشگری معتقد هستم و فکر می‌کنم تا زمانی که این اتفاق نیفتاده نباید خیلی هم دعوت کرد که گردشگری در منطقه اتفاق بیفتد. چون آثار مخربش بیشتر از آثار مثبتش است

ر] بیشتر مناطق گردشگری سیستان و بلوچستان در نقاطی قرار دارند که از استان‌های دیگر فاصله زیادی دارند و یا به مرز نزدیک هستند. آیا ما در آن مناطق می‌توانیم امنیت را در استان تأمین کنیم برای گردشگران یا نه؟

بله به‌راحتی، در حال حاضر گردشگران به منطقه می‌آیند و هیچ مشکلی پیش نمی‌آید. بیشترین مشکل ما نبود زیرساخت در منطقه است

مثلاً الان در سیستان و بلوچستان چیزی که به‌شدت احساس می‌شود، مجتمع‌های خدمات گردشگری بین‌راهی است. این مجتمع‌ها خیلی کم توسعه پیدا کردند. تالاب هامون سبب شده که بسیاری از صنایع‌دستی مثل سبد سازی و قایق‌سازی، از بین برود. بخشی از این‌ها و فولکلور مردم که در حاشیه نهرها و دریاچه شکل می‌گرفته، از بین رفته است. خشک‌شدن آب باعث شده که آن رطوبتی که در منطقه وجود داشته کاهش پیدا کند و تخریبی که روی آثار و بناهای ما گذاشته بیشتر شود؛ بنابراین آن‌قدر این دو با هم در پیوند هستند که من تفکیکی بین این دو نمی‌بینم. اگر رد پای گردشگر در منطقه بتواند به‌جای تخریب آنجا را دچار توسعه کند، این امر می‌تواند کم‌کم تغییراتی ایجاد کند. یعنی روش جدیدی از توسعه گردشگری را متوازن با بقیه بخش‌ها در بر بگیرد و این اتفاقاتی که امروزه شاهدیم رخ نداده. مثلاً شما می‌روید از یک اثر تاریخی، فرهنگی در سطح کیفیت فرض کنید ۱۰۰ بره‌مند می‌شوید، ولی از حمل‌ونقل یا از اقامت در سطح بسیار پایین‌تری بهره می‌برید. یک بحث دیگر هم وجود دارد که من اکثراً می‌بینم که گردشگرها با یک احساس تلفیقی از احساس ترجم، ناامنی و علاقه به منطقه می‌آیند

یعنی خانم گردشگری که به منطقه ما می‌آید با یک خانم بلوچ که مواجه می‌شود، حس ترجم دارد، درحالی‌که ممکن است که

کشیده شود. درحالی‌که حتی یگان حفاظت هم مستقر نبود. این باعث شد که ما در فاصله کوتاهی حدوداً چند ماه بعد از کشیدن این جاده تعداد حفاری‌های غیرمجاز در منطقه در اطراف قلعه رستم افزایش یافت. به دلیل تعداد موارد تخریبی که روی آثار آن منطقه اتفاق افتاده بود. منظر فرهنگی منطقه کلاً تغییر کرد و از بین رفت. این یعنی اینکه ما صرفاً می‌خواهیم که گردشگر را ببریم تا پای اثر و منطقه را به نمایش بگذاریم و در این خلال این، یک‌سری ارائه‌دهنده خدمات یا کالاها هستند که به گردشگر به چشم یک صندوق پول نگاه می‌کنند و به‌جای ایجاد ثروت، گردش پول ایجاد می‌کنند. گردش پولی که ممکن است مستقیماً هم در تأسیسات گردشگری به چرخش نیفتد. این دیدگاهی هستش که تجاری‌سازی گردشگری در مناطق مختلف به‌خصوص در سیستان و بلوچستان اگر با همان دیدگاه سنتی ادامه پیدا کند، گردشگری پایدار نخواهد بود. یعنی بعد از چند سال همان آلابندگی‌های بصری و تخریب‌هایی که چه در آثار طبیعی چه در آثار فرهنگی در سایر نقاط کشور می‌بینید، مثل جنگل‌های شمال یا در سواحل شمال و جنوب کشور، بعد از مدتی در سیستان بلوچستان هم ببینیم

تکنه دیگر توجه به مسئله آمایش سرزمین است. آیا حضور گردشگر بر اساس توانمندی‌های یک منطقه است؟ من حتی این تفکیک بین گردشگری طبیعی و گردشگری فرهنگی را هم منسوخ شده می‌بینم، به دلیل که این‌قدر فرهنگ و آیین‌های منطقه و آثار باستانی منطقه در پیوند با آثار طبیعی هستند که نمی‌توان آنها را جدا از هم تعریف کرد. امروزه از بین‌رفتن تالاب هامون سبب شده که بسیاری از صنایع‌دستی مثل سبد سازی و قایق‌سازی، از بین برود. بخشی از این‌ها و فولکلور مردم که در حاشیه نهرها و دریاچه شکل می‌گرفته، از بین رفته است. خشک‌شدن آب باعث شده که آن رطوبتی که در منطقه وجود داشته کاهش پیدا کند و تخریبی که روی آثار و بناهای ما گذاشته بیشتر شود؛ بنابراین آن‌قدر این دو با هم در پیوند هستند که من تفکیکی بین این دو نمی‌بینم. اگر رد پای گردشگر در منطقه بتواند به‌جای تخریب آنجا را دچار توسعه کند، این امر می‌تواند کم‌کم تغییراتی ایجاد کند. یعنی روش جدیدی از توسعه گردشگری را متوازن با بقیه بخش‌ها در بر بگیرد و این اتفاقاتی که امروزه شاهدیم رخ نداده. مثلاً شما می‌روید از یک اثر تاریخی، فرهنگی در سطح کیفیت فرض کنید ۱۰۰ بره‌مند می‌شوید، ولی از حمل‌ونقل یا از اقامت در سطح بسیار پایین‌تری بهره می‌برید. یک بحث دیگر هم وجود دارد که من اکثراً می‌بینم که گردشگرها با یک احساس تلفیقی از احساس ترجم، ناامنی و علاقه به منطقه می‌آیند

یعنی خانم گردشگری که به منطقه ما می‌آید با یک خانم بلوچ که مواجه می‌شود، حس ترجم دارد، درحالی‌که ممکن است که

در بسیاری موارد، هرچه مداخله دولت کمتر باشد، بهتر است، اما در منطقه‌ای مثل منطقه ما که این مشکلات وجود دارد ورود دولت در پروژه‌ها ضروری است. بازم تأکید می‌کنم؛ چه واقعی چه فقط به‌صورت تصورات غلط وجود داشته باشد، دولت باید ابتدا از نظر زیرساختی و حمایتی امنیت سرمایه‌گذاری را در منطقه تضمین کند. با امکاناتی که دارد، تسهیلات بدهد و بعد بخش خصوصی بیاید و وارد فعالیت‌ها شود. باید زیرساخت ایجاد کرد، هیچ گردشگری این بعد مسافت را به جان نمی‌خرد باید اینجا، تا بعد زیرساختی ایجاد بشود. هیچ‌کسی چنین کاری نمی‌کند. باید شرایط برای حضور گردشگر محیا باشد. ما باید، مشوق‌هایی داشته باشیم که این زیرساخت‌ها ایجاد شود. تا گردشگر وقتی به استان ما می‌آید، این تصورات که در خلأ حضور گردشگر، ایجاد شده را پاک کند

ر] به‌طورکلی، وضعیت زیرساخت‌ها در استان، از نظر حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای، هتل‌ها، اقامتگاه‌های بوم‌گردی و مجتمع خدماتی بین‌راهی یا امکانات پزشکی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مشخصاً در حال حاضر، وضعیت ضعیف است. یک‌بخشی از این ضعف، به‌خاطر توسعه گریز بودن منطقه است و این هم دلیل دارد. یعنی فرض کنید، حمل‌ونقل ما به دلیل درآمدهای جانیی که دارد از جمله به‌خاطر نزدیکی مرز به‌خاطر مسائل سوخت و اینها هیچ انگیزه‌ای برای اینکه به گردشگر خدمات بدهد وجود ندارد. آنها منابع درآمدی دارند از محل فروش سوخت یا در واقع حمل‌ونقل غیر مسافری و هیچ‌کس برایش، مقرون‌به‌صرفه نیست که اتوبوس را مدت ده روز در اختیار یک تور قرار بدهد. حالا یا باید بسیار گران این خدمات را گردشگر دریافت کند که فاصله درآمدی خدمات‌دهنده رو پر کند، یا با کمبود ناوگان مواجه می‌شویم که الان در حال حاضر، اکثر تورهایی که به منطقه می‌آیند، برای کرایه‌کردن یک اتوبوس بسیار مشکل دارند. اکثراً تورها، اتوبوس را مستقیماً از خود تهران یا مبدأ دیگر که می‌آیند، کرایه می‌کنند که باز متحمل هزینه‌های سنگین‌تری می‌شوند. از نظر ریلی که خط‌آهن جنوب چهارپار به میلک، طرحی شده، یک بخش‌هایش هم اجرا شده اما تکمیل نشده است. شاید در ۱۰ سال یا ۱۵ سال آینده تکمیل گردد. البته بیشتر هم این خط ریلی خط ریلی ترابری است، نه مسافری. اگرچه مسافر هم جابه‌جا خواهد کرد. اما انگیزه اصلی بیشتر برای وصل کردن دریا به سایر نقاط کشور است. در سایر بخش‌های دیگر نیز همین‌طور است. در مورد تعداد اقامتگاه‌ها، آمار غلطی که داده می‌شود، تعداد گردشگران، تعداد موافقت اصولی که صادر شده برای بوم‌گردی‌ها یا مجتمع خدمات رفاهی خیلی زیاد است. اما اینکه چند درصد اینها خدمات می‌دهند و چند درصد اینها خدمات مطلوب گردشگری ارائه می‌دهند. محل سؤال است و سؤالی که



دریاچه نیپار چایبار - پارسان حسینی‌پور |

معرفی کنیم

[۱] شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر باعث هم شکل شدن فرهنگها در برخی نقاط شده. حضور گردشگران هم تأثیرات فرهنگی بر مردم بومی دارد. آیا در سیستان و بلوچستان همین‌طور است یا اینکه مردم نسبت به فرهنگ بومی‌شان، تعصب و علاقه دارند و حفظ شده است؟

من فکر می‌کنم؛ چون شهرنشینی در سیستان و بلوچستان پدیده خیلی جدیدی است، شهرهای ما به‌شدت تشنه توسعه هستند؛ اما روستاهای ما بر خلاف شهرها به‌شدت سنتی هستند و بر سنت‌هایشان به‌شدت حساس‌اند و آنها را حفظ می‌کنند. همان‌طور که می‌بینیم، لباس محلی برای مردم بسیار اهمیت دارد، همین‌طور زبان و گویش. همان قدر که شهرهای استان تشنه توسعه هستند و گرایش دارند مدرن شوند، در نقطه مقابل آنها، روستاهایی هستند که به‌شدت توانستند، سنت‌ها را حفظ کنند. به نظر من اگر قرار است تحولی هم در جهت مثبت، انجام شود، در خود این جوامع باید اتفاق بیفتد. از بیرون از جامعه نمی‌توان چیزی را به آنها تزریق کنیم

[۲] به نظر شما چه نقشی می‌توان برای رسانه‌ها در جهت توسعه استان در نظر گرفت؟

ما باید پیوندهای اجتماعی، اقتصادی، این منطقه را سایر مناطق کشور قوی‌تر کنیم. از نظر هویتی، باید سعی شود که سیستان و بلوچستان را به جامعه ایرانی نزدیک‌تر کنیم. نه به این معنی که در حال حاضر دور است، اصلاً سیستان و بلوچستان جایگاهی دارد که از فرهنگ ایرانی قابل‌تفکیک و جداسازی نیست، اما احساسی وجود دارد که انگار خیلی با مناطق دیگر ایران در ارتباط نیستند این را هم از لحاظ معنوی و هم از لحاظ فیزیکی باید از بین برد و رسانه می‌تواند خیلی مؤثر باشد

[۳] گروه‌های اجتماعی فعال در میان قشر جوان و تحصیل‌کرده در استان وجود دارد که بتوانند این ارتباط با رسانه را برای پیشبرد کارکردهایی که گفتیم ایجاد کنند؟

نمی‌دانم و فکر هم نمی‌کنم که خیلی به این شکل وجود داشته باشد. ولی گروه‌هایی از خود مردم وجود دارند که کارهای فرهنگی انجام می‌دهند. گروه‌های موسیقی که در بلوچستان هستند از اکثر اشعاری استفاده می‌کنند که از شعرای فارسی‌زبان است و همین‌طور شعرهایی که در ارتباط با هویت ملی است. اما این‌ها، نتوانستند آن‌طور که لازم است ارتباط بگیرند با سایر نقاط کشور یا رسانه و در شبکه‌های اجتماعی. ما نتوانستیم افرادی را که به‌عنوان چهره‌های ماندگار و یا چهره‌های برگزیده و تحسین شده منطقه هستند را به جامعه معرفی کنیم. مثلاً فردی مانند استاد اسپندار را همه می‌شناسند، اما در کنار اینها هنرمندانی داریم که در سطح ملی قابل معرفی هستند، مثلاً در کمانچه نوازی و یا سازهای محلی مثل بنجو. ولی فکر نمی‌کنم که به شکل شایسته‌ای نتوانسته باشیم با کمک رسانه آنها را معرفی کنیم. ارتباط ما با رسانه ضعیف است. یک مقدار هم درون‌گرایی مردم منطقه در این امر مؤثر است و خیلی دیر می‌توانند ارتباط بگیرند و حالا که صحبتش هم پیش آمد، شاید علتش همان دور بودن از مرکز و کم ارتباط داشتن با سایر شهرها باشد

[۴] اگر همکاری بین‌المللی بخواهد برای توسعه زیرساخت‌ها و ارتقای گردشگری و در واقع جذب سرمایه‌گذار اتفاق بیفتد، پیشنهاد شما برای این فعالیت چیست؟

البته در منطقه چابهار برای توسعه منطقه این همکاری بین‌المللی شکل گرفته؛ اما این مربوط می‌شود به قراردادهایی که بین دولت‌ها بسته می‌شود.

اما اگر بخش خصوصی بیاید و فعال بشود. به نظر من با توجه خشکسالی‌هایی که اتفاق افتاده بخش کشاورزی در منطقه بخشی نیست که اقتصاد منطقه را بتواند، بچرخاند. در حد خودبستگی است و می‌تواند محصولات به‌صورت محصولات بومی داشته باشد در بخش صنعت هم به همین ترتیب، چون در منطقه صنایع مادر شکل نگرفتند و شاید هنوز زیرساختش هم فراهم نیست، هنوز خیلی از شهرهای ما گاز ندارند و شاید به‌زودی هم شکل نگیرد. با این تفاسیر، پیشنهاد من سرمایه‌گذاری در توسعه گردشگری است. گردشگری می‌تواند، نقطه قوت منطقه برای توسعه باشد. یعنی در نبود صنایع بزرگ و اقتصادی کشاورزی گسترده، اقتصادی گردشگری می‌تواند بخش بزرگی از نیازهای منطقه را برطرف کند. توسعه گردشگری و استفاده از ظرفیت‌های منطقه، برای جذب گردش داخلی و خارجی، می‌تواند موتور محرکه توسعه پایدار منطقه باشد

من فکر می‌کنم که این سرمایه‌گذاری و همکاری بین‌المللی و حتی در درون خود بخش‌های مختلف کشور روی گردشگری منطقه متمرکز شود خیلی می‌تواند بقیه محرومیت‌های استان را پوشش بدهد. باتوجه‌اینکه همان‌طور که گفته شد پتانسیل بالایی در استان وجود دارد. انواع اقلیم‌ها، گردشگری فرهنگی، گردشگری طبیعی. جاذبه‌ها وجود دارد و گردشگری می‌تواند خیلی خوب نبود صنایع بزرگ را در اینجا پر کند

ما این را می‌دانیم که قسمت‌های زیادی از استان از نظر اقتصادی کمتر توسعه یافته است. یک نگاهی وجود دارد که پیام مدرسه بسازیم، دمیایی بین بچه‌ها توزیع می‌کنند و... به‌رحال این فعالیت‌ها را هم از دلسوزی انجام می‌دهند؛ ولی آیا ما به بحث توانمندسازی مردم توجه می‌کنیم؟ نمی‌خواهم هم نقش دولت در توسعه و فقرزدایی را نادیده بگیریم. می‌خواهم بیشتر به میحث توانمندسازی تأکید کنم

[۵] برخی می‌گویند که خانه‌های کبری زانده اقلیم است و با ساختن خانه بتنی، آجری ما زندگی را برای مردم منطقه سخت‌تر می‌کنیم. آیا کبرنشینان یک سبک زندگی است که در گذشته وجود داشته و ممکن است امروز هم وجود داشته باشد؟

سبک زندگی است که در بعضی از روستاها به‌طورکلی به‌خاطر اقلیم یا این سبک ساخته می‌شود. یک‌بخشی هم به‌خاطر این است که دولت نمی‌تواند به دنبال جمعیت‌ها راه بیفتد و به روستاهای جدیدی که در دل بیابان ایجاد شدند، تسهیلات بدهد. این یک تصور اشتباه است. درست است که فقر وجود دارد، ولی کبرنشینان یک سبک زندگی هم است و باید در این امر شناخت از زندگی مردم بومی وجود داشته باشد. باید بررسی شود که چرا این روستای جدید شکل گرفته، اینجا اقتصادشان از چه طریقی اداره می‌شود، جایی که نه کشاورزی است نه دامداری وجود دارد. یک سری خانه درست شده وسط بیابان. اینها برای چه آنجا ساکن شدند؟ بعضی از اینها مشاغل ناهنجاری دارند و برای اینکه در امان باشند از مراکز جمعیتی عمده فاصله می‌گیرند. البته نباید از این امر غافل شد که فقر و محرومیت عامل مهمی در شکل‌گیری فعالیت‌های غیرقانونی است، حاصل شرایطی است که به آنها تحمیل شده، ولی از سوی دیگر این مسئله نمی‌تواند توجیهی برای انجام جرم باشد. به‌طورکلی برای زوددن فقر و محرومیت و برجسب‌های فرهنگی منطقه، نیاز به هدلی و برنامه‌ریزی دولت، فعالین اجتماعی، گردشگری و رسانه است

جوابش مشخص است. یعنی الان یک سری به‌صورت صوری دارند خدمات می‌دهند. یعنی مثلاً من تسهیلات گرفتم که اقامتگاه تأسیس کنم، این کار را نکردم، یا دایر نیست. یعنی این مسائل مطالعه نشده است، صرفاً به‌خاطر اینکه من در روستای محل زندگی‌ام یک خانه سنتی داشته‌ام، رفتم از این تسهیلات استفاده کردم. خانه را هم تغییراتی دادم؛ ولی اصلاً بعضی از این خانه‌های بوم‌گردی در مسیر رفت‌وآمد گردشگر نیستند، یعنی وام و مجوز در شهرستان‌هایی داده شده که در مسیرهای تعیین شده عمده گردشگری ما نیست یا قابلیت رقابت ندارد. یعنی صرف اینکه دیوار خانه کاهگی باشد، این را به‌عنوان بوم‌گردی ثبت کردند. ولی خدماتی که ارائه می‌شود در سطحی است که هیچ گردشگری حاضر نیست که هزینه را پرداخت کند و برود در آنجا اقامت کند. به‌طورکلی اقامت در جنوب استان بهتر است در چابهار بوم‌گردی‌ها بهتر توانستند فعالیت کنند. به‌خاطر اینکه درآمد بیشتری هم دارند، تعداد مسافر به منطقه آزاد چابهار بیشتر است

[۶] سیاست‌های دولت جدید آیا تأثیر مثبتی بر گردشگری استان گذاشته است؟

به‌طورکلی دیدگاهی که وجود دارد برای اینکه فرصت‌های شغلی یا مسئولیت‌ها در استان‌ها به افرادی که متعلق به یک قومیت هستند یا متعلق به اقلیت مذهبی هستند، داده شود، فی‌نفسه می‌تواند، مثبت باشد، از نظر روحی و احساسی فضایی که در جامعه به وجود می‌آورد خیلی مؤثر است. اما تأثیرات را باید در بلندمدت نگاه کرد. ولی به طور خلاصه بخواهم بگویم این اقدامات از نظر افزایش امنیت در منطقه خیلی مؤثر بوده است. ولی، به‌رحال عملکردها باید سنجیده شود و بر آن اساس قضاوت کرد

[۷] بحثی وجود دارد که پایتخت سیاسی اداری کشور را به منطقه مکران منتقل کنند. آیا از نظر شما باتوجه به امکانات، زیرساخت‌های منطقه، آب‌وهوا، این امر امکان‌پذیر است؟ آیا این امکان وجود دارد که به واسطه این تصمیم، مهاجرت مکرکوس در این منطقه اتفاق بیفتد؟

گزینه‌های زیادی برای توسعه اقتصادی این منطقه وجود دارد. برای اینکه این منطقه به قطب اقتصادی ایران تبدیل شود، همه جور ظرفیت و پتانسیل وجود دارد. مثلاً متصل بودن به دریاهای آزاد، برای تجارت و ارتباطات، پتروشیمی و شیلات در حال شکل‌گیری است. موقعیت منطقه می‌تواند کمک کند به توسعه کشتیرانی و گمرکاتی که دارد شکل می‌گیرد. این حجم از سرمایه‌گذاری می‌تواند منطقه را در بلندمدت به قطب اقتصادی ایران تبدیل کند. اما اینکه آیا می‌تواند پایتخت سیاسی ایران باشد یا نه؟ فکر می‌کنم که نیاز به مطالعات بیشتر و ملاحظات امنیتی یا ملاحظات سیاسی و اجتماعی بیشتر است. به‌رحال پایتخت انتظار می‌رود که به همه نقاط کشور دسترسی مناسب داشته باشد و منطقه‌ای که پایتخت سیاسی، اداری کشور می‌خواهد باشد باید خیلی مورد بررسی قرار گیرد

[۸] شما به‌عنوان کسی که هم در حیطه باستان‌شناسی فعالیت می‌کنید در استان و هم به‌عنوان کسی که راهنمایی گردشگری است، می‌توانید جاذبه‌های دیدنی استان را معرفی کنید؟

استان سیستان و بلوچستان به لحاظ فرهنگی، تاریخی، طبیعی مثل بسیاری نقاط دیگر در کشور جاذبه‌های بسیاری دارد ولی شاید یکی از استثناهایی

رویداد بزرگ به عنوان یک رویداد جهانی فرهنگی برگزار شود، به نظر شما استان را ما چطور می‌توانیم معرفی کنیم؟ چه روی چه آلمانی می‌توانیم تاکید کنیم؟

من فکر می‌کنم ویژگی که می‌توان به آن اشاره کرد، تنوع اقوام و مذاهب در منطقه در طول تاریخ است. در پیشینه فرهنگی منطقه، یعنی همه آثار تاریخی ما بیانگر این است که بسیاری از مذاهب و اقوام در این منطقه آزادی عمل و تحرک داشتند. می‌توانستند اینجا را به عنوان یک مرکزی برای آیین‌های خودش در نظر بگیرند و حتی امروزه هم تا حدودی این امر ادامه دارد

در زاهدان ما همه ادیان و مذاهب را داریم که در کنار هم زندگی می‌کنند. هم مساجد اهل سنت را داریم و هم مساجد تشیع را، معبد هندوها را داریم. همه مذاهب اینجا دارند زندگی می‌کنند و اتفاقاً برخلاف آن چیزی هم که شاید تبلیغ می‌شود، خیلی همزیستی خوبی هم دارند. ضمن اینکه مهاجرپذیری منطقه در طول تاریخ باعث شده که اینجا ما از همه اقوام و ملت‌های دیگر هم افرادی را داشته باشیم

من فکر می‌کنم این امر می‌تواند موضوع مهمی باشد برای اینکه یک رویداد را در ارتباط با اقوام مختلف سیستان و بلوچستان، به عنوان مرکزی برای همزیستی و هم‌مدایی همه اقوام و قومیت‌های ایرانی

از نظر طبیعی هم همین‌طور است، یعنی از شمال تا جنوب. همه جور اقلیمی را که شاید در خود گستره یک کشور وجود دارد و شاید در برخی کشورهای دیگر دیده نشود، در استان می‌توانید ببینید. وسعت استان خودش به‌اندازه بعضی از کشورهای همسایه است

در استان در یک‌زمان، می‌توانید، بارش برف را ببینید و همان موقع سوار ماشین شوید و چند ساعت بعد، با لباس تابستانی در کنار سواحل می‌توانید قدم بزنید

به‌اضافه گونه‌های طبیعی جانوری و گیاهی. به‌عنوان نمونه می‌توان از تمساح یوزه‌کوتاه، خرس بلوچی و پلنگی که در منطقه است و همین‌طور گونه‌های جانوری آلبژی که منطقه هستند، اشاره کرد. دریاچه هامون و رودخانه هیرمند اگر احیا بشوند فرصت بزرگی برای پرندنگری ایجاد می‌شود. یا هر چهارفصل، شما در سیستان بلوچستان می‌توانید به‌صورت هم‌زمان داشته باشید، میوه‌های گرمسیری که در جنوب استان اخیراً توجه زیادی به آن شده و گلخانه‌های بسیار بزرگی ساخته شده است. در مزرعه‌های وسیع در استان هم در منطقه سیستان، ما یکی از زودرس‌ترین گونه‌های انگور و هندوانه را برداشت می‌کنیم. حتی در همین سال‌های خشکسالی هم همچنان، بعضی از باغات حفظ شد و همچنان برداشت می‌کنند که خود اینها می‌تواند به‌صورت رویدادهایی مثل انگورچینی یا رویدادهای در ارتباط با آیین‌های درو و در فصل مختلف و مقصد گردشگری قرار بگیرد. مثل چیزی که در گلاب‌گیری است

[۹] ما چه رویدادهای محلی را می‌توانیم در استان برگزار کنیم و به‌عنوان میراث فرهنگی ناملموس منطقه معرفی کنیم؟

این بحث خیلی گسترده است از بازی‌های بومی که انجام می‌شود تا بعضی از آیین‌هایی که در فصول مختلف سال انجام می‌شود. بخصوص مثلاً در منطقه سیستان در نوروز آیین‌های بسیار زیادی وجود دارد. هم در زمینه خوراک و هم در زمینه سنت‌هایی که اجرا می‌شود همین‌طور در منطقه بلوچستان هم به همین ترتیب

ما ظرفیت بزرگی مثل شاهنامه و شاهنامه‌خوانی را در منطقه داریم. بر اساس متن شاهنامه زادگاه رستم در سیستان است و مردم علاقه زیادی به آن دارند، باین‌حال در مقیاس بزرگ شما این رویداد را نمی‌بینید. به‌صورت محفل‌های خصوصی و کوچک برگزار می‌شود و به‌عنوان یک پتانسیل وجود دارد

[۱۰] اگه قرار باشد در سیستان بلوچستان یک



گفت‌وگو با رضا نوری شادمهانی، استاد دانشگاه هنر و معماری کاشان درباره ارتباط میان گردشگری و باستان‌شناسی

احیای گذشته برای آینده

باستان‌شناسی به عنوان مرزبان تاریخ و فرهنگ‌های گمشده، می‌تواند جنبش نوینی در عرصه گردشگری ایجاد کند و محوطه‌های باستانی را از سکون و ایستایی خارج کند



| مریم کاظمی‌زاده |

| روزنامه‌نگار |



| رضا نوری شادمهانی |

| استاد دانشگاه

| هنر و معماری کاشان |



جامعه مثل یک اتومبیل است،

ما هیچ اتومبیلی را نمی‌بینیم

که آینه را نابود کند و به پشت

سرش نگاه نیندازد. بر این

اساس میراث فرهنگی و تاریخ

مانند همان آینه پشت سر به ما

کمک می‌کند که بتوانیم در

مسیر رشد حرکت کنیم



قدیمی‌ترین فضای آبینی ما در

تپه زاغه بوبین زهرا در قزوین

به دست آمده‌که متعلق به

تقریباً هزاره هفتم پیش از

میلاد است. ولی امروز آیا از

نظر بصری چیزی از آن فضای

آبینی باقی مانده؟ خیر.

بنابراین این فضا فقط یک

منبع فرهنگی است

🗨️ **باتوجهبه اینکه رشته تحصیلی شما**

باستان‌شناسی است، شاید بهتر از هر

کسی بتوانید به این سؤال پاسخ دهید

که ما چرا باید تاریخ بدانیم و دانستن

تاریخ چه کمکی به ما می‌کند؟ تاریخ چه

کمکی می‌تواند در رشد و توسعه

گردشگری داشته باشد؟

من می‌توانم به این سؤال شما هم از بعد کلان پاسخ بدهم و هم از بعد خرد.از بعد کلان اینکه، هر حال ملتی که گذشته خودش را درک نکرده باشد، مجبور است که گذشته را تکرار کند و حتی در مواقعی عقب‌گرد داشته باشد؛ بنابراین ملتی موفق

است که به پشت سرش نگاه بیندازد و از گذشته درس‌هایی را فرابگیرد و به‌سرعت به سمت جلو حرکت کند. من همیشه این مثال را می‌زنم که جامعه مثل یک اتومبیل است، ما هیچ اتومبیلی را نمی‌بینیم که آینه را نابود کند و به پشت سرش نگاه نیندازد. براین‌اساس میراث‌فرهنگی و تاریخ مانند همان آینه پشت سر به ما کمک می‌کند که بتوانیم در مسیر رشد حرکت کنیم؛ بنابراین ما باید به گذشته رجوع کنیم، درس‌هایی فرابگیریم و از آن برای رفتن به سمت جلو یعنی برای حرکت به سمت توسعه پایدار استفاده کنیم. در بعد خرد این میحث، اگر بخواهیم به گذشته نگاه کنیم بسیاری از سایت‌های باستانی ما در جغرافیای تاریخی به وجود آمدند. یعنی محیط و انسان‌هایی

که در محیط زندگی می‌کردند باعث شدند که این سایت‌ها به وجود بیایند. ما نمی‌توانیم گردشگر را ببریم به یک سایتی و انتظار داشته باشیم که درک درستی از فضا داشته باشد اگر راجع به گذشته آن محیط صحتی نکرده باشیم و فرد را با تاریخ آن فضا آشنا نکرده باشیم.به این دو دلیل قطعاً ما باید تاریخ بدانیم و این تاریخ را به‌درستی منتقل کنیم؛ یعنی نه جانبدارانه و نه اهمال‌کارانه. تاریخ را باید به گردشگران و طبیعتاً نسل بعدی منتقل کرد

🗨️ **آموزش چه نقشی در توسعه گردشگری دارد؟**

قبل از اینکه به توسعه گردشگری بپردازم دوست دارم یک کلمه بگویم که در تاریخ ما مکرر تکرار شده و ما خیلی راحت از آن گذشتیم و آن هم کلمه آبادی، است. همه فکر می‌کنند آبادی با آب در ارتباط بوده و ضرب‌المثل ساخته شده که هرجا آب است آبادی هم آنجاست. درصورتی‌که این یک تصور غلط است. این آبادی، آباد، در اصل، آیات بوده است. آ به معنی در و پات هم به معنی نگهداری؛ بنابراین آیاتی به معنی نگهداری است

بنابراین در هر آبادی حفظ و نگهداری

شاکله اصلی است. همان

چیزی که امروز در کلمه sustainable یعنی

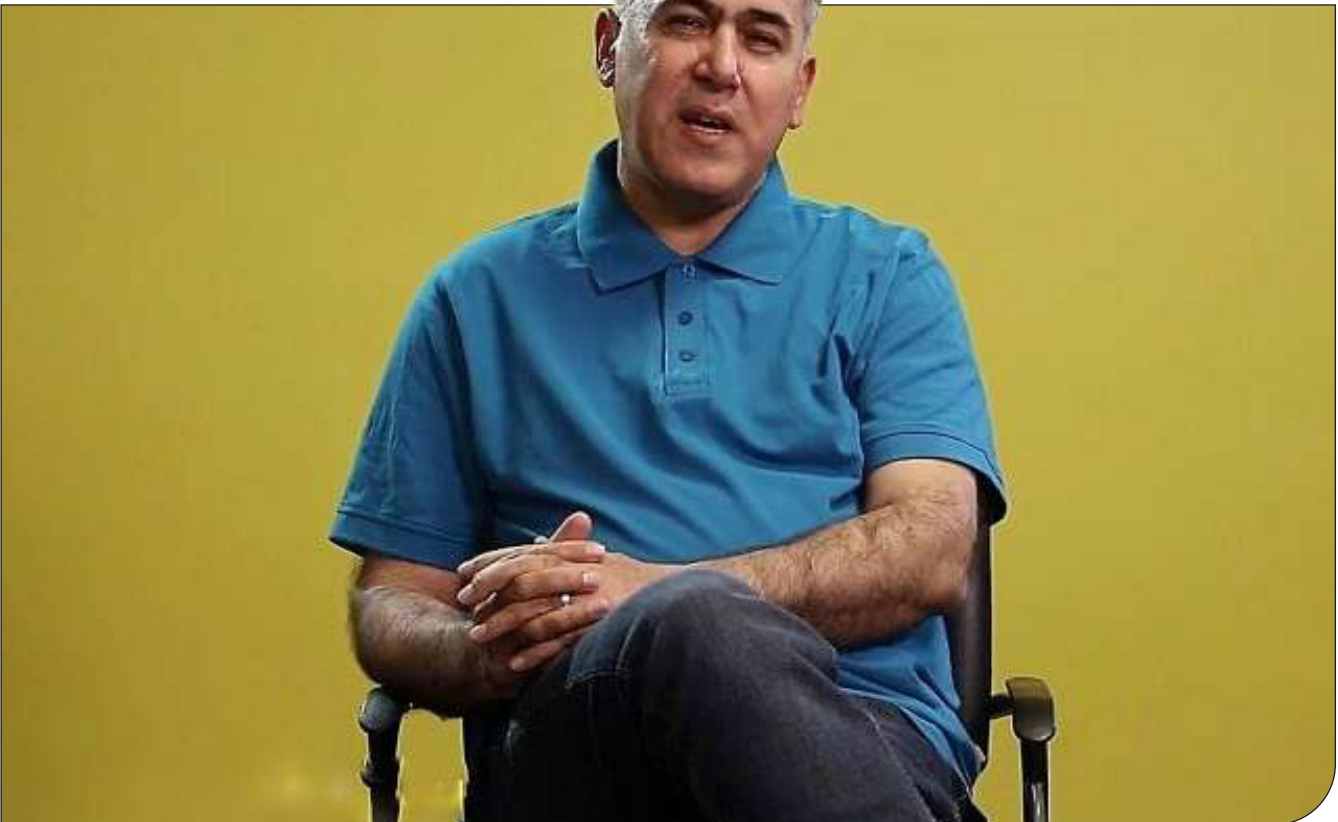
چیزی را ما پایش و نگهداری کنیم و روزبه‌روز ارتقا دهیم؛ بنابراین در کلمه آیات پارسی باستان ما این نوع نگاه وجود داشته است. حالا برگردیم به سؤال شما ببینید در حمل‌ونقل، همه اینها نیاز به آموزش دارد. چون روزبه‌روز جهان دارد متحول می‌شود و

آموزش نگاه کنیم

یکی از بخش‌های مهم، آموزش جامعه میزبان است. جامعه میزبانی که به‌هرحال با سایت‌های باستانی درگیر هستند، با آنها زندگی می‌کنند. آنها را معرفی می‌کنند. بخشی از جامعه میزبان آنهایی هستند که در تأسیسات گردشگری مثل اقامتگاه‌ها حضور دارند و تور لیدرهای محلی

عملکرد این افراد را باید از طریق آموزش به‌روزرسانی کنیم خصوصاً در ارتباط با علم تاریخ. تاریخ یک پدیده فیکس و منجمدی نیست تاریخ روزبه‌روز دارد توسعه پیدا می‌کند. خصوصاً در حوزه تحقیقات باستان‌شناسی ما می‌بینیم که کشفی اتفاق می‌افتد و آن کشف می‌تواند، تاریخ یک سایت یا یک منطقه را به‌نوعی به عقب‌تر ببرد. اگر افرادی که در جامعه محلی با آن سایت در ارتباط هستند به شکل فیکس شده با آن گذشته آن فضا آشنا باشند و تحولات جدیدی در ارتباط با تاریخ فضا دارد صورت می‌گیرد را درک نخواهند کرد

از طرف دیگر افرادی که در تأسیسات گردشگری هستند، هم باید آموزش ببینند. نحوه برخورد با میهمان‌ها،



ایران باید از طریق آموزش، به افراد منتقل شود.من این پیشنهاد را دارم که هر چند سال یکبار مثلاً هر ۵ سال یکبار همایش‌هایی برگزار شود که دوستان باستان‌شناس ما بیایند و نویافته‌های خودشان را در اختیار جامعه باستان‌شناسی و راهنمایان سفر قرار دهند. در نتایج نوشته شده در بسیاری از کتاب‌ها، در اثر یافته‌های جدید باستان‌شناسی، تغییراتی رخ داده؛ ولی کتاب‌ها به‌روزرسانی نشده‌اند. حتی کتابی که خود آقای سجادی کاوشگر شهر سوخته نوشتند، قدیمی‌ترین لایه برمی‌گردد به ۳۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح ولی در سال‌های اخیر در کاوش‌های صورت گرفته و آثار یافته شده، قدیمی‌تر از ۳۲۰۰ یعنی متعلق به ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد تعلق دارد

🗨️ **این نتایج از چه طریق باید به راهنمایان سفر و کلا علاقه‌مندان به سفر منتقل شود؟**

من معتقدم از طریق فرایندهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت این مسئله امکان‌پذیر است

نمی‌توان انتظار داشت که یک کتابی مثلاً سال‌به‌سال به‌روزسانی شود، اما می‌توانیم سال‌به‌سال همایشی بگذاریم و این نوع یافته‌هایی که به‌دست‌آمده را در اختیار راهنمایان و جامعه علاقه‌مند به گردشگری قرار دهیم

🗨️ **جایگاه باستان‌شناسی و اهمیت آن در جامعه امروز چگونه است؟**

باستان‌شناسی آن‌طور که جایگاه واقعی آن است بدان توجه نمی‌شود. آمریکا که تقریباً کشور مدرنی است. چرا باید در باستان‌شناسی، رتبه یک جهان داشته باشد؟ چون آنها به این درک رسیدند که باستان‌شناسی می‌تواند در جامعه کنونی تأثیرگذار باشد. می‌تواند هویت‌ساز باشد. می‌تواند، باعث انسجام فرهنگی شود. همه این‌ها در نهایت جایگاه باستان‌شناسی را به‌عنوان هم یک علم فلسفی که پشتش تئوری‌های انسان‌شناختی نهفته است و هم یک علم کاربردی نشان بدهد

در باستان‌شناسی کاربردی به این می‌پردازیم که به چه شکلی می‌توانیم سایت‌ها را در اختیار جامعه علاقه‌مند و مشتاق به گذشته قرار بدهیم. ما یک سایت مهم جهانی در کشور ترکیه داریم به نام چاتال هیوک. تقریباً از نظر زمانی هم عصر با تپه سلیک ماست، ولی ببینید چه توسعه گردشگری در آنجا انجام شده است، یعنی با سیستم‌های مدرن نرم‌افزاری، سخت‌افزاری، گرافیکی، موشن یا انیمیشن، کاملاً آن زندگی که در یک دوره فریز شده را پویا کردند و در اختیار بازدیدکنندگان گذاشتند



نکته بسیار مهم اینجاست که در باستان‌شناسی، سایت‌ها، فضاهای ایستایی هستند که در یک زمان و مکان، متوقف شدند و ما هستیم که باید به آنها پویایی ببخشیم. علم گردشگری اگر به درستی پیاده شود، بسیار کمک می‌کند که یک سایت ایستا را به یک زمینه فرهنگی پویا تبدیل کنیم. بنا بر آنچه گفتیم باستان‌شناسی و گردشگری نه تنها ارتباط دارند که اتفاقاً پیوندشان بسیار هم نزدیک است و حتی یک پیوند دوجانبه و متقابل دارند. یعنی ما باستان‌شناسان پیام‌ها موجود که در سایت‌ها است را از آنها بیرون می‌کشیم و گردشگری، مؤسسات آموزشی، آژانس‌های گردشگری و به‌طورکلی علاقه‌مندان قرار می‌دهیم. از سوی دیگر گردشگری اگر رونق بگیرد طبیعتاً به‌ویژه در ایرانی که این همه محوطه باستانی دارد، بناهای تاریخی دارد، می‌تواند، باعث پویایی سایت‌ها و به‌طورکلی پویایی حوزه باستان‌شناسی در ایران شود. اصلاً علت ورود من به‌عنوان باستان‌شناس اصلاً به حوزه گردشگری، دغدغه من برای آموزش این یافته‌ها به عموم علاقه‌مندان بود. ما یک سایت را کشف می‌کنیم، کاوش می‌کنیم و بعد توضیح‌اش را در یک همایش سالانه به همکارانمان ارائه می‌دهیم، همایشی که هر سال برگزار می‌شود. ۹۰ درصد افراد باستان‌شناس هستند، ۱۰ درصد ممکن است از بیرون از جامعه باستان‌شناسی آمده باشند. من دیدم این راهش نیست؛ بنابراین گفتم بروم پیوندهایی را برقرار کنم، بین گردشگری و باستان‌شناسی و خوشبختانه این پیوند برقرار شده است. برخلاف امروز، درگذشته، مثلاً دهه ۷۰، از ۷۵ به بعد واقعاً حتی در مؤسسات آموزشی مثل دانشگاه‌های گردشگری ایران هم باستان‌شناسی ناشناخته بود. ولی خوشبختانه امروزه باستان‌شناسی و اهمیت می‌تواند درآمزا باشد. همه این‌ها در نهایت جایگاه باستان‌شناسی را به‌عنوان هم یک علم فلسفی که پشتش تئوری‌های انسان‌شناختی نهفته است و هم یک علم کاربردی نشان بدهد

در باستان‌شناسی کاربردی به این می‌پردازیم



بزرگترین کاوش باستانی در تهران

را شروع می‌کنند بعد ما غافلگیر می‌شویم که مثلاً روندی اتفاق افتاده و بعد تصمیم می‌گیریم که برای آن برنامه‌ریزی کنیم. نظر شما در این رابطه چیست؟

اگر مثلاً یک شهر گردشگری‌پذیر ایران را الگو قرار دهیم و آن را تحلیل کنیم، این ابعاد قضیه خودش را نشان می‌دهد. مثلاً کاشان را در نظر بگیرید، چندی پیش، تعطیلی چندروزه پیش آمد و کاشان کاملاً قفل شد. یعنی اقامتگاه‌ها دیگر پر بود. مردم محلی خانه‌هایشان را باقیمت گزاف اجاره می‌دادند. در مغازه‌ها مواد غذایی کاهش پیدا کرده بود. خیابان‌ها قفل شده بود. این نشان می‌دهد که مردم جلوتر از مسئولان شهری در کاشان حرکت کردند. یعنی مسئولان باید می‌دانستند که تعطیلی در پیش است و خودشان را آماده می‌کردند. ولی آماده نکرده بودند. خب این گردشگری، گردشگری نامتوازی است. وقتی گردشگر وارد می‌شود آسیب می‌بیند. خود جامعه میزبان از این ازدحام آسیب می‌بیند. طبیعتاً دوست دارد دیگر این تجربه تکرار نشود. خب این بر عهده مسئولان است که باید در برنامه‌ریزی‌هایشان اهتمام ویژه‌ای داشته باشند

این اتفاق هر سال می‌افتد. یک‌بخشی از این داستان به‌نظام بروکراتیک برمی‌گردد. برای سیستم گردشگری یک برنامه‌ای داده می‌شود تا بیاید اجرائی بشود، اولاً زمان زیادی از آن می‌گذرد تا ثانیاً تقلیل پیدا می‌کند به مسائل کوچک‌تر که آدم‌های کوچک‌تر بتوانند آن را انجام بدهند. ایده‌های بزرگ تا به مرحله اجرا برسد، تبدیل به چیزهای کوچک می‌شود

مثل همان توده یخی که دست‌به‌دست می‌چرخد و آب می‌شود. ما باید به سمت برنامه‌ریزی کلان برویم و متناسب با هر منطقه جغرافیایی باید برنامه‌ریزی کنیم. ما نمی‌توانیم یک الگو را برای تمام شهرهای ایران در نظر بگیریم. در ایران میراث ناملموس یا میراث ملموس و با میراث طبیعی عمدتاً منابع یا جاذبه‌هایی هستند که گردشگران را به سمت خودش جلب می‌کنند. هر سه این‌ها شکننده‌اند. متوجه باشیم که میراث ناملموس را یا نگاه علم‌زده امروز تحقیر نکنیم. سنتی که در یک منطقه است، در یک شهر بزرگ به آنجا می‌روم، با یک

سواد حداقلی می‌روم، نمی‌توانم میراث ناملموسی را که در یک زمینه فرهنگی رشد یافته، خرافات بدانم و آن را تحقیر کنم. میراث فیزیکی ملموس ما هم بسیار شکننده است. سال‌ها اینها زیر خاک بودند و با فضای زیر خاک هماهنگ شدند و حفظ شدند. حالا باستان‌شناسان اینها را آورده‌اند روی خاک، با حداقل مکانیزم‌های حفاظتی اینها را حفاظت می‌کنند. برای من گردشگر واجب است که این حداقل‌ها را بلد باشم و بدانم چه باید بکنم تا این میراث را حفظ کنم. بنابراین حتی یک قطعه سفال برداشتن از یک محوطه باستانی می‌تواند آسیب‌بران باشد. روی دیوارهای خشتی قدم زدن می‌تواند، آسیب‌بران باشد. از مسیریایی که پاکوب نیست یا تعریف نشده حرکت کردن می‌تواند، آسیب‌بران باشد. در ارتباط با میراث طبیعی هم می‌دانیم که فضای مفرحی که کنار ساحل دریا یا جنگل در اختیار ما قرار دارد، را حفظ کنیم. با کارهای مخرب یا ناگهانه آنها را آلوده نکنیم. به نظرم ما قبل از اینکه به پایداها در گردشگری بپردازیم باید به بنیادها در گردشگری بپردازیم. خیلی‌ها هنوز واقف نیستند که چه کارهایی را نباید در یک سایت باستانی کرد. در یک جامعه کمتر توسعه‌یافته، خیلی‌ها نمی‌دانند در خصوص میراث طبیعی چه کارهایی باید کرد و چه کارهایی نباید کرد. اینها لزوماً ربطی به تحصیلات ندارد. نیاز به آموزش و تکرار دارد تا در افراد نهادینه شود. بعد وقتی نهادینه شد به پیش تبدیل شود و بعد به رفتار تبدیل شود

بعضی از محوطه‌های ما که شما به آنها می‌گویید سایت، این‌ها کاوش شدند؛ ولی اصلاً در منظومه گردشگری وارد نشده‌اند. برای مثال قدیمی‌ترین فضای آیینی ما در تپه زاغه بوئین‌زهر در قزوین به‌دست‌آمده است. ما متعلق به تقریباً هزاره هفتم پیش از میلاد است. ولی امروز آیا از نظر بصری چیزی از آن فضای آیینی باقی‌مانده؟ خیر؛ بنابراین این فضا فقط یک منبع فرهنگی است. براین اساس، یک سری از سایت‌های ما صرفاً منابع فرهنگی هستند که حتی بعضی از آنها، ممکن است جاذبه بصری نداشته باشند. اما تعداد معدودی این خوش‌شانسی را داشته‌اند که بنا به دلایل مختلف که از یک منبع فرهنگی تبدیل شدند به یک جاذبه گردشگری. شوش تپه باستانی است؛ ولی جاذبه گردشگری نیست. اما تپه سلیک کاشان جاذبه گردشگری است. در تپه‌حصار دامغان تلاش‌هایی دارد می‌شود که به جاذبه گردشگری تبدیل شود. در حسنلو، هفتتپه، تلاش‌هایی شده که به جاذبه تبدیل شوند. بسیاری از تپه‌های دیگر از دوران مختلف از پیش از تاریخ بگیرد تا دوره اسلامی داریم که اگر این‌ها کاوش شوند و بعد راهبرد مدیریتی خصوصاً مدیریت گردشگری برایشان تعریف شود، این قابلیت را دارند که تبدیل به جاذبه شوند

یک نکته مهم که نباید فراموش بکنیم این است که تفسیر اهمیت زیادی دارد. به طور مثال جایی مانند چاتال هیوک در کشور ترکیه، ممکن است که خیلی جاذبه بصری و معماری نداشته باشد؛ ولی تفسیرهای گرم و سرد یعنی تفسیرهای انسانی و تفسیرهای غیرانسانی استفاده از فیلم، بازسازی خانه‌هایی که در گذشته وجود داشته است، ساخت انیمیشن و... را به یک جاذبه بصری بسیار مهم و تأثیرگذار تبدیل می‌کنند؛ بنابراین در اینجا، میحت تفسیر جایگاه بسیار مهمی می‌یابد. تفسیر، میانجی بین سایت (که می‌تواند، تاریخی یا محیط طبیعی باشد) و کارشناسان

غارت می‌کنند، خیلی جذاب‌تر و تأثیرگذارتر می‌شود تا اینکه تصویری از حمله عاشوری‌ها آنجا بگذارید. این اکتی که شما در چغازنبیل یا در تخت‌جمشید دارید را می‌توانید به شکل یک فیلم بازسازی کنید؛ ولی راجع به سلیک نمی‌توانید انجام دهید

به نظر شما، موزه‌هایی که در مجاورت سایت‌های باستانی ما قرار دارند، جوابگوی این سطح از پتانسیل‌های موجود است؟

خبیر نیست. ما هم موزه‌هایی داشتیم که پیش از انقلاب ساخته شده، هم موزه‌هایی که بعد از انقلاب ساخته شده است. موزه هفتتپه و موزه شوش قبل از انقلاب ساخته شده است. ولی بعد از انقلاب توسعه پیدا می‌کند. در مجاورت آپادانا در شوش یک موزه کوچک و در کنار تپه سلیک هم به همین صورت اهمیت موزه‌های کنار سایت‌ها به نظر من در دو چیز است. یکی اینکه ما از طریق آشنایی که در آنجا وجود دارد. اصالت آن را به مردمانی که در کنار آن سایت‌ها زندگی می‌کنند، نشان دهد. به خود بومی‌ها یک نوع اصالت‌بخشی می‌شود. از طریق آشنایی که در موزه وجود دارد، طبیعتاً افراد درک بهتری می‌توانند، داشته باشند و هویت بهتری می‌توانند کسب کنند. نکته دیگر اینکه ما از این طریق می‌توانیم توسعه گردشگری هم داشته باشیم. در هر کنار هر سایتی یا در هر شهری یک موزه استاندارد داشته باشیم، گردشگر بیشتری جذب می‌شود

یکی از معضلات گردشگری امروز توزیع نامتناسب زمانی و مکانی است. چون ما به طور سنتی و اداری اغلب تعطیلات عید را برای سفر انتخاب می‌کنیم. ما باید با برنامه‌ریزی و ایجاد سیاست‌های تشویقی و شکل‌گیری جشنواره‌ها، در همه فصول در همه اقلیم‌ها گردشگری را دایر نگه داریم. مثل جشنواره تابستانی کیش که در تابستان با ایجاد برنامه و تخفیفات تشویق به سفر ایجاد می‌شود

گردشگری داخلی را با همراهی باستان‌شناسی چطور می‌توان گسترش داد؟ آیا می‌توان به بهانه بازدید از یک بنا، مردم را تاریخ یک دوره تاریخی آشنا کرد؟

به طور مثال شما در تخت‌جمشید می‌توانید تاریخ هخامنشی را ملموس به نسل بعدی و گردشگران یادآوری کنید. در مربع ۵ کیلومتر به آن مربع طلایی که اطراف تخت‌جمشید است که به آن مربع طلایی می‌گویم. می‌تواند تاریخ ایران باستان را آموزش داد. یا مثلاً از آثار به‌جامانده از دوره از ایلام، یا شهرهایی که در دوره اسلامی بجا مانده که آثار بسیار متنوع و متنکثری در جای‌جای ایران داریم، می‌توان با مهارت و خلاقیت مردم را با تاریخ و فرهنگ کشور آشنا ساخت

بنابراین به‌راحتی می‌شود از طریق این سایت‌ها گذشته را به نسل‌های بعدی و گردشگران علاقه‌مندان آموزش داد اشاره کردیم اگر این روند خوبی تمدنی که در جهان شروع شده ادامه پیدا کند لاجرم ما به سمت توسعه گردشگری روستایی و آثار تاریخی که عمدتاً بیرون از شهرها هستند خواهیم رفت. زندگی تکنولوژی در جایی متوقف می‌شود یا اگر هم متوقف نشود، بشر باید برای آن راهکارهایی تعریف کند که نه با شورش، نه با جنگ و نه با انقلاب این نگاه ایزاری یا تکنولوژیک را نشکند و با تاریخ و هویتش پیوند دوباره خلق کند. بخش اعظم این حرکت از طریق رسانه‌ها باید اتفاق بیفتد. یعنی آموزش هم باید به شکل افقی در جامعه گسترش پیدا کند هم با بالا. اگر این دو اتفاق بیفتد طبیعتاً گردشگری رونق خواهد گرفت و به سمت توسعه پایدار یا همان تقاسیر گرم، در این جریان، باید سخت‌افزار و نرم‌افزار متناسب با آن سایت تعریف شود. به‌عنوان‌مثال در جایی مثل شوش که جنگی اتفاق افتاده، یعنی نقطه اوجش حمله دشمن بوده طبیعتاً شما به‌عنوان کسی که در حوزه تفسیر کار می‌کنی اگر یک فیلم خوب بسازی یا بخش‌هایی از یک فیلم را بازسازی کنید که آشوری‌ها دارند حمله می‌کنند. به این شهر و این شهر را دارند،

داشتم در ظاهر علت برگزاری جشن‌ها، شادی بوده؛ ولی زیرساخت خیلی از آن‌ها این بوده که ما می‌توانیم از این شهرهای متمدن، به شکل موقت خارج شویم و در این جشن‌ها به خویش‌خوش خویش برگردیم

مثال می‌زنید؟

در سیزده‌بدر ما به طبیعت می‌رویم. می‌بینیم؛ مثلاً پدربزرگ خانواده می‌تواند تاب بخورد و کسی ایراد نمی‌گیرد که آقا با این سن‌وسال چرا این کار را می‌کنی. همه اعضای خانواده و دوستان با هم درگیر بازی هستند. خب بازی یک نوع برگشتن به خویش‌خوش خویش است. بازگشت به آن ذات طبیعی خودمان. در سیزده‌بدر کسی مدیرعامل نیست، خودش است. ولی فردای بعد از سیزده‌بدر در شرکت مدیرعامل است. ما این تجربه‌ها را در تاریخ به‌کرات داشتم و نباید کارکرد جشن‌ها را فقط به شادی تقلیل دهیم. کارکردهای مختلف دارد. یکی این است که ما را از آن محیطی که پر از بایونباید بوده به محیط کمتر بایونباید پیوند دهد

به‌طورکلی در ایران چند تپه باستانی کاوش شده و قابل بازدید داریم؟ چند تپه باستانی کاوش نشده داریم؟ و آیا امکانی وجود دارد که در آینده تبدیل به سایت شود و در حال حاضر از آن‌ها بی‌اطلاعیم؟

بعضی از محوطه‌های ما که شما به آنها می‌گویید سایت، این‌ها کاوش شدند؛ ولی اصلاً در منظومه گردشگری وارد نشده‌اند. برای مثال قدیمی‌ترین فضای آیینی ما در تپه زاغه بوئین‌زهر در قزوین به‌دست‌آمده است. ما متعلق به تقریباً هزاره هفتم پیش از میلاد است. ولی امروز آیا از نظر بصری چیزی از آن فضای آیینی باقی‌مانده؟ خیر؛ بنابراین این فضا فقط یک منبع فرهنگی است. براین اساس، یک سری از سایت‌های ما صرفاً منابع فرهنگی هستند که حتی بعضی از آنها، ممکن است جاذبه بصری نداشته باشند. اما تعداد معدودی این خوش‌شانسی را داشته‌اند که بنا به دلایل مختلف که از یک منبع فرهنگی تبدیل شدند به یک جاذبه گردشگری. شوش تپه باستانی است؛ ولی جاذبه گردشگری نیست. اما تپه سلیک کاشان جاذبه گردشگری است. در تپه‌حصار دامغان تلاش‌هایی دارد می‌شود که به جاذبه گردشگری تبدیل شود. در حسنلو، هفتتپه، تلاش‌هایی شده که به جاذبه تبدیل شوند. بسیاری از تپه‌های دیگر از دوران مختلف از پیش از تاریخ بگیرد تا دوره اسلامی داریم که اگر این‌ها کاوش شوند و بعد راهبرد مدیریتی خصوصاً مدیریت گردشگری برایشان تعریف شود، این قابلیت را دارند که تبدیل به جاذبه شوند

یک نکته مهم که نباید فراموش بکنیم این است که تفسیر اهمیت زیادی دارد. به طور مثال جایی مانند چاتال هیوک در کشور ترکیه، ممکن است که خیلی جاذبه بصری و معماری نداشته باشد؛ ولی تفسیرهای گرم و سرد یعنی تفسیرهای انسانی و تفسیرهای غیرانسانی استفاده از فیلم، بازسازی خانه‌هایی که در گذشته وجود داشته است، ساخت انیمیشن و... را به یک جاذبه بصری بسیار مهم و تأثیرگذار تبدیل می‌کنند؛ بنابراین در اینجا، میحت تفسیر جایگاه بسیار مهمی می‌یابد. تفسیر، میانجی بین سایت (که می‌تواند، تاریخی یا محیط طبیعی باشد) و کارشناسان

یکی از معضلات گردشگری امروز توزیع نامتناسب زمانی و مکانی است. چون ما به طور سنتی و اداری اغلب تعطیلات عید را برای سفر انتخاب می‌کنیم. ما باید با برنامه‌ریزی و ایجاد سیاست‌های تشویقی و شکل‌گیری جشنواره‌ها، در همه فصول در همه اقلیم‌ها گردشگری را دایر نگه داریم

میراث فیزیکی ملموس ما بسیار شکننده است. برای من گردشگر واجب است که بدانم چه باید بکنم تا این میراث را حفظ کنم. بنابراین حتی یک قطعه سفال برداشتن از یک محوطه باستانی می‌تواند آسیب‌بران باشد. روی دیوارهای خشتی قدم زدن می‌تواند، آسیب‌بران باشد. از مسیریایی که پاکوب نیست یا تعریف نشده حرکت کردن می‌تواند، آسیب‌بران باشد



بزرگترین کاوش باستانی در تهران

ضمیمه روزنامه پیام ما

روزنامه سیاسی - اجتماعی
 صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
 روح‌الله خدیژی
 چاپ: صمیم ۶۵۵۸۶۸۰۱ - ۰۲۱

سردبیر: افشین امیرشاهی
 دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
 مدیر هنری: تیوا صدیقان
 عکس: یاسر خدیژی (دبیر)
 بازرگانی و فروش: محمد زز

همکاران: مریم کاظمی‌زاده، ریحانه حیدری، مهسا مطهر و امیرحسین مسعودی

ویراستار: فرح ابوطالبی

آدرس: تهران، خیابان شریعتی، ابتدای شهید بهشتی، پلاک ۱۲، طبقه اول | تلفن: ۰۲۱ - ۲۸ ۴۲ ۱۹ ۱۰

www.payamema.ir | @payamema | ۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴

اساس استانداردهای جهانی، برای ایجاد فضایی برای حضور گردشگر. در حال حاضر یک تعداد مشخصی راهنما هستند که تورهای مهم را برگزار می‌کنند، در هر سایتی که می‌روی آنها را می‌بینی. چون گردشگری محدود است، یک زمانی در دوره آقای خاتمی یا بعد از برجام به قدری استقبال از گردشگری ما زیاد بود که نه تنها همه راهنماها سرکار بودند، بلکه از دانشجویان زبان‌های خارجی برای ترجمه و راهنما بودن دعوت به کار می‌شد. این نشانه تأثیر سیاست‌گذاری‌ها بر رشد گردشگری است

آیا امروزه که این تورهای طبیعت‌گردی بدون مجوز رسمی در حال رشد است، تا چه حد برای طبیعت مقصد آسیب‌زا است؟

ما بارها همه‌جا درباره مضرات این‌گونه سفرها صحبت کردیم. متأسفانه امروزه این سفرها در حال گسترش هستند که اصلاً نمی‌توان عنوان گردشگری را به آنها اطلاق کرد. اینکه در هر نقطه‌ای آتش روشن کنی، فضای طبیعی را پاکوب کنی، به سکوت و آرامش طبیعت آسیب بزنی که مکان برای حیات و تولیدمثل حیوانات ناامن شود، برداشتن صدف از سواحل که محل زندگی و تخم‌گذاری موجودات دریایی است برداشتن خاک خصوصاً خاک هرمز، در طی قرن‌ها این خاک ایجاد شده، هر کسی بیاید از این خاک بردارد، بعد از مدتی از این فضا چه باقی می‌ماند؟ و بسیاری آسیب‌های دیگر، این به‌هیچ‌وجه باصالت گردشگری همخوانی ندارد. باید با وضع قوانین و آموزش این موضوع از رفع کرد. ایجاد سیاست در تشویق سرمایه‌گذاران در امر گردشگری است، در همه زیرساخت‌ها، وقتی سرمایه‌گذار مطمئن باشد که سرمایه‌اش برپا می‌گردد، به‌راحتی در همه بخش‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند، ما سال‌هاست می‌گوییم یکی از مشکلات ما کمبود سرویس بهداشتی بی‌راهی است و آنهایی هم که هستند بهداشتی نیستند، درحالی‌که اگر در راه مجموعه‌های اقامتی ایجاد شود، مسافر انواع خدمات را می‌گیرد، خرید می‌کند، پول خرج می‌کند، در عوض آن مجموعه هم سرویس بهداشتی با استاندارد بهداشتی در اختیار او قرار می‌دهد. ما به‌طور کلی حرف از گردشگری مسئولانه می‌زنیم، اما در عمل رفتارمان در مدیریت مسئولانه نیست و از استانداردهای جهان عقبیم

آیا به نظر شما تورهای مجازی می‌تواند در ایران گزینه مناسبی باشد؟

به نظر من تورهای مجازی با این شکلی که تعریف کرده‌ایم در ایران بیشتر به شوخی شبیه است و در کشور ما تور مجازی نمی‌تواند پاسخگو نیاز ما باشد. ما نیاز به گردشگر سرمایه داریم و تور مجازی برای صنعت گردشگری ما سودمند نیست، ما در گذشته برای رفع معضلات حضور مسافران در کشور، تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های هوشمندانه می‌گرفتیم. چون جاده‌های ما ناامن بود، راهنم زیاد بود و کاروان‌های مسیر راه ابریشم را غارت می‌کردند و افراد را می‌کشتند، حکومت‌ها تصمیم به ساخت کاروان‌سراها گرفتند، در یک‌میزان فاصله مشخصی در راه، این کاروان‌سراها ساخته می‌شد که کاروان‌ها در آن توقف می‌کردند و امنیت و نیازهایشان برآورده می‌شد. این یک پروژه عظیم در ایران قدیم بوده برای حفظ امنیت کاروانیان و رونق تجارت در کشور. حتی از بازمانده‌های تاریخی برج‌هایی را می‌بینیم که با چه دقت و ظرافتی در مسیر راه‌ها ساخته می‌شدند برای علامت‌گذاری در راه‌ها که کاروان‌ها مسیر را گم نکنند. اینها برنامه‌ریزی و دید توسعه‌طلبانه برای مملکت بوده است، با همه نقدهایی که ممکن است در هر دوره‌ای بر سیاست‌ها وجود داشته باشد که موضوع بحث ما نیست، به‌طور کلی ما نیاز به دید نقادانه در نحوه تفکر مدیریتی‌مان داریم. ما باوجود پتانسیل‌هایی که داریم، سرزمین چهارضلعی که تقریباً اکثر اقلیم‌های دنیا را داریم، می‌توانیم جایگاه بسیار بالایی در سهم گردشگری جهانی داشته باشیم و کشور را به سمت گردشگری پایدار و توسعه پایدار هدایت کنیم، با حرکت به سمت تخصص‌گرایی

واسطه رشد گردشگری جاذبه‌های این مناطق به مردم معرفی شده است. اما همین رشد گردشگری اگر یا برنامه‌ریزی همراه نباشد می‌تواند منجر به آسیب‌های محیط زیستی به منطقه شود
 اگر به ظرفیت برد مناطق توجه نشود، برنامه‌ریزی و ضمانت اجرایی وجود نداشته باشد، حضور گردشگر انبوه به منطقه آسیب می‌رساند. برای توسعه گردشگری ابتدا باید پتانسیل‌های کشور را به مردم شناساند، مثلاً در سفری به شوش یک راننده بومی به من گفت چرا برای دیدن تل خاک به اینجا آمده‌ای؟ ما به مردم نیاموختیم زیر این تل خاک، تاریخ ۷۰۰۰ساله بشر نرفته است. ارزش فضا را برای مروج روشن ناساختیم. اگر مردم با این مسائل آشنا شوند خودشان برای حفظ آنها داوطلب می‌شوند

ما چه فرصت‌ها و تهدیدهایی در سطح جهانی در امر توسعه گردشگری داریم؟

تا وقتی اقتصادمان به پشتوانه نفت اداره می‌شود لزومی به توسعه گردشگری نمی‌بینیم سیاست‌های ما تأثیر مستقیم بر گردشگری ما گذارد. البته رسانه‌های خارجی هم از فرصت استفاده می‌کنند و یک تصویر جنگ‌طلبانه از ایران ارائه می‌دهند و به‌نوعی ایران‌هراسی را بین مردم جوامع دیگر رواج می‌دهند. اغلب کسانی که به ایران سفر می‌کنند افرادی هستند که به جاذبه‌های فرهنگی علاقمندند، ما پتانسیل‌های فراوان فرهنگی در کشور داریم. باید روی آنها تمرکز کنیم. مثلاً دانشگاه‌هایی در دنیا هستند که کورس‌های آموزش زبان فارسی دارند، ما می‌توانیم از طریق نمایندگی‌های وزارت خارجه با آنها هماهنگی انجام دهیم و این دانشجویان را برای آشنایی با فرهنگ و جاذبه‌های ایران به کشورمان دعوت کنیم. این اصلاً کار سختی نیست، ما رابزنی فرهنگی در کشورهای مختلف داریم. دفتر تبلیغات اسلامی می‌تواند از توان همه آنها استفاده کنیم. ما می‌توانیم از بلاگرهای خارجی دعوت کنیم که به زبان خودشان، جاذبه‌های ایران را معرفی کنند، این‌ها اصلاً کارهای عجیب و سختی نیست فقط نیاز به برنامه دارد

آیا گردشگری می‌تواند عاملی در جهت شکل‌گیری تحولات اجتماعی باشد؟

در مطالعه تاریخ می‌بینیم که گردشگران ایرانی در سفر به اروپا دیدن تحولات فرهنگی اروپا، با نوشتن سفرنامه و شروع نهضت ترجمه سبب ایجاد تحولات اجتماعی فرهنگی سیاسی در ایران شدند، بنابراین شکل‌گیری گردشگری در ایران سابقه طولانی دارد و تغییرات مهمی را هم منجر شده است. با رشد گردشگری پول وارد سفره مردم می‌شود و گردشگری باعث بالارفتن کیفیت زندگی مردم، پایین آمدن جرایم و توسعه پایدار کشور می‌شود. استفاده درست از منابعی که اگر به‌خوبی از آنها استفاده شود، پایان‌پذیر نیستند، آلاینده نیستند، منجر به توسعه می‌شود. اگر خودمان برای برنامه‌ریزی توانمندی لازم را نداریم اگر کارشناسان خارجی استفاده کنیم. کاری که کشورهای عربی کردند و نتیجه هم گرفتند. این اعتقاد که خودکفایی در نمای امروز بی‌معناست، با ارتباط مؤثر و دیپلماسی قوی با دنیا می‌توان پیشرفت کرد

شرایط و جایگاه راهنمایان گردشگری را در صنعت گردشگری چگونه ارزیابی می‌کنید؟

راهنماها در گردشگری نقش بسیار بارز می‌دارند، تمام آنچه یک گردشگر باید از یک بنا یا محوطه باستانی و درباره فرهنگ ما بداند را راهنما به گردشگر منتقل می‌کند. همین‌طور رفتار و برخورد او با گردشگر در میزان دلپذیر شدن سفر برای فرد، بسیار تعیین‌کننده است امروزه در آموزشگاه‌ها این فرایند آموزش راهنماها در حال انجام است و واقعاً هم سود زیادی ندارد این کار. خیلی‌ها به دلیل علاقه‌شان پای آموزش ایستاده‌اند. اما آیا به‌آموزی مدرسان فکر شده است؟ در حال حاضر چهارده هزار راهنما کارت‌دار داریم. آیا برای اینها بازار کار وجود دارد؟ شاید تعداد راهنماهای فعال و پرکار در حال حاضر کمتر از انگشتان یک‌دست است
 ما باید با نهادها بین‌المللی ارتباط بگیریم، هم برای توسعه گردشگری و هم برای آموزش راهنمایان بر



گفت‌وگو با مرتضی شعبانی، مربی بین‌المللی کنفدراسیون جهانی راهنمایان گردشگری؛

ایران؛ مقصدی که معادل ۱۰ کشور است

درحالی‌که گردشگران حرفه‌ای معتقدند بازدید از جاذبه‌های ایران به اندازه سفر به ۱۰ کشور دنیا ارزش دارد، اما سیاست‌گذاری‌های نادرست، کمبود زیرساخت‌ها و نگاه محدودکننده به گردشگری خارجی، مانع توسعه این صنعت شده است

صنعت گردشگری ایران، با وجود ظرفیت‌های غنی تاریخی، فرهنگی و طبیعی، هنوز نتوانسته جایگاه شایسته خود را در میان مقاصد گردشگری جهانی پیدا کند. مرتضی شعبانی، راهنمای بین‌المللی گردشگری، مربی بین‌المللی کنفدراسیون جهانی راهنمایان گردشگری و عضو کنفدراسیون جهانی راهنمایان گردشگری در گفت‌وگو با پیام ما معتقد است که مشکلات این حوزه از سطح چالش فراتر رفته و به بحران تبدیل شده است. او بر این باور است که با برنامه‌ریزی اصولی، می‌توان گردشگری را به عاملی برای عبور از بحران‌های اقتصادی کشور تبدیل کرد. درحالی‌که گردشگران حرفه‌ای معتقدند بازدید از جاذبه‌های ایران به اندازه سفر به ۱۰ کشور دنیا ارزش دارد، اما سیاست‌گذاری‌های نادرست، کمبود زیرساخت‌ها و نگاه محدودکننده به گردشگری خارجی، مانع توسعه این صنعت شده است. به گفته او، گردشگری نه تنها می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی کشور کمک کند، بلکه با معرفی فرهنگ و تاریخ ایران به جهانیان، نقش مهمی در تعاملات بین‌المللی ایفا خواهد کرد.

آیا چه چالش‌هایی در توسعه گردشگری در ایران وجود دارد؟

در مورد چالش‌ها و فرصت‌های گردشگری به نظر من، ما با مشکلات بیشتری از چالش روبرو هستیم. باید کمی عقب‌تر برویم و در سیاست‌گذاری‌ها به دنبال ریشه مشکل باشیم. در سیاست‌های کلان کشور و راهبردهای اساسی کشور در اصل گردشگری هرچند در شعار بدان پرداخته می‌شود؛ اما در عمل جزو اولویت‌های کشور محسوب نمی‌شود. بسیاری از مسئولین می‌گویند که گردشگری برای ما اهمیت دارد، صنعت سبز و پاک است، ولی در عمل چون اعتقاد به آن نیست که این صنعت اولویت‌های کشور باید باشد، بنابراین در بدنه و زیرمجموعه دولت هم آن پشتیبانی و آن نگاه ویژه به گردشگری اتفاق نمی‌افتد. مشکل اصلی گردشگری در سیاست‌گذاری و عمل به آنهاست

اگر نگاهی به گردشگری در سطح جهان و حتی کشورهای منطقه بیندازیم، می‌بینیم که کشورهایی که به لحاظ جاذبه‌های تاریخی و طبیعی اصلاً قابل‌مقایسه با پتانسیل کشور ما نیستند، با ایجاد زیرساخت‌های گردشگری، توانستند درصد زیادی از گردشگران را جذب کنند و در این میان ایران با این‌همه جاذبه و تنوع اقلیمی، تنوع قومی و زبان‌ها و گویش‌ها و تنوع فرهنگی، تنوع طبیعی، تنوع پوشش گیاهی، جانوری، می‌توانیم، خیلی بیش از این گردشگر جذب کنیم و ذی‌نفعان جامعه از آن بهره ببرند. گردشگرهای حرفه‌ای ادعان دارند که دیدن جاذبه‌های ایران، برابری می‌کند با اینکه، شما از ۱۰ کشور دیدنی دنیا، دیدن کرده باشید. این امر نشان‌دهنده تنوع و پهنای کشور است، و جاذبه‌های مختلف از نگاه گردشگران را در خودش دارد. اما موانع توسعه گردشگری ایران، همان‌طور که عرض کردم، در درجه اول همان مبحث سیاست‌گذاری‌هاست، در نگاه دوم محدودیت‌هایی که به گردشگری ما اعمال می‌شود. به لحاظ مسائل فرهنگی، مذهبی، حضور اتباع بیگانه به‌عنوان گردشگر به کشور می‌آیند خیلی پذیرفته شده نیست. با اینکه می‌گویند ما کشور مهمان‌نوازی هستیم و در طول تاریخ با بیگانه‌ها در تماس بودیم، اما چون به لحاظ تاریخی، تبعات فرهنگی، سیاسی را برای ما داشته است. به طور خیلی درونی در سیاست‌های کشور ما همیشه با تردید و ملاحظه با حضور گردشگران روبرو می‌شویم. بخش فرهنگی، مذهبی باید این باز تعریف و آموزش وجود داشته باشد که وقتی یک خارجی به منطقه شما می‌آید، به این معنی نیست که می‌خواهد اصول و ارزش‌ها و باورهای شما را تغییر دهد یا متحول بکند

نگاه سنتی که در گذشته بود، امروزه دیگر با توجه به

شیوه‌های ارتباطی جدید، فضای مجازی و ماهواره‌ها، با محدودکردن فیزیکی و ارتباطی آن هدف حاصل نمی‌شود، بنابراین باید توجیه بشوند، در خصوص نگاه جدید گردشگری و اجازه بدهند که اتفاقات خوبی بیفتد. حتی الان در شهر قم که شهری مذهبی است، شما می‌بینید که در حوزه گردشگری دارند کار می‌کنند

ما باید زیرساخت‌هایمان را تقویت کنیم. ما به میزان کافی هتل بر اساس استانداردهای جهانی نداریم. خودمان را برای پذیرایی از جامعه مقاصد گردشگری کشور آماده نکرده‌ایم. از لحاظ آکادمیک هم در دانشگاه‌ها دوره‌های لیسانس گردشگری تا دکتری، بیشتر به مباحث نظری پرداخته می‌شود و به مباحث کاربردی در صنعت گردشگری پرداخته نمی‌شود مشکل دیگر اینکه انسجام خوبی بین فعال مؤسسات گردشگری وجود ندارد. در این صنعت باید زنجیره پشتیبانی، زنجیره تأمین در بخش‌های مختلف به وجود بیاید و مکمل همدیگر باشند. شما نگاه کنید همین بحث تشکل گردشگری که به موازی داریم. انجمن راهنمایان، جامعه راهنمایان داریم، هر یک دیگری را قبول ندارد و همین‌طور هتلداران اینها را قبول ندارند. هرکسی می‌خواهد دیگری را خنثی کند. اگر این انرژی رقابت‌های ناسالم از بین برود، می‌توانیم به جلو حرکت کنیم

یکی دیگر از چالش‌های مهم گردشگری این است که سازماندهی خوبی ندارد که باز برمی‌گردد به همان ساختار سیاست‌گذاری‌های وزارت فرهنگ میراث‌فرهنگی گردشگری و صنایع‌دستی یک لقمه‌های که از بخش‌های مختلف به همدیگر چسبیده و خاطر اینکه پشتوانه کارشناسی قوی ندارد، ایده‌های خوب و در واقع کار کارشناسی که باید انجام شود، صورت نمی‌گیرد

علاوه بر این‌ها، در حال حاضر نیروی انسانی کارآمد و باانگیزه به‌قدر کافی در وزارتخانه نیست، و همکاری بین دستگاه‌های و تشکل‌های دخیل در گردشگری ضعیف است. وقتی در فرایند خدمات‌رسانی به گردشگر هر کدام از بخش‌های درگیر، مارکتینگ، ترانسپورت، اقامت، لیدری و... لنگ بزند، در نهایت کار درست پیش نمی‌رود و خدمات درست ارائه نمی‌شود
 موضوع دیگر، نگاه مردم خودمان به ورود گردشگر خارجی است؛ بنابراین بحث فرهنگ‌سازی در جامعه مهم است. ما چقدر در جوامع بومی خودمان به معرفی جاذبه‌ها پرداخته‌ایم که مردم بومی ارزش منابع و جاذبه‌های خود را بدانند. باید بروشور و فیلم‌های تبلیغاتی و آموزشی تهیه کنیم از جاذبه‌های مناطق مختلف کشور و آنها را به مردم بومی و گردشگران معرفی کنیم. ما باید محصولات فرهنگی در حوزه گردشگری



مرتضی شعبانی | مربی بین‌المللی کنفدراسیون جهانی راهنمایان گردشگری



اغلب کسانی که به ایران سفر می‌کنند افرادی هستند که به جاذبه‌های فرهنگی علاقمندند، ما پتانسیل‌های فراوان فرهنگی در کشور داریم. باید روی آنها تمرکز کنیم



بحث فرهنگ‌سازی در جامعه مهم است. ما چقدر در جوامع بومی خودمان به معرفی جاذبه‌ها پرداخته‌ایم که مردم بومی ارزش منابع و جاذبه‌های خود را بدانند

